

- تبلیغات تلویزیونی مادر منطقه ضعیف است
- فعالیتهای خائنانه سازمان سیاسی خلق! عرب
- مسئولیت برادران رزمنده عرب ما در جبهه



محرم

انقلاب حسین

یاسداری از اصول مکتب

این ملت تن به سازش و وابستگی به آمریکا نمیدهد

اگر صالحان و مخلصان راس کار باشند از مکر شیطان بیمی نیست و الا...

رابطه بین گروگان گیری و پیروزی ریگان

همیشه بر این نکته تاکید داشتیم که یکی از جوه اساسی بینش لیبرالی، اصالت دادن به عامل خارجی به جای عامل درونی است. به عبارت دیگر اینان به جای حق، به قدرت و موقعیت باطل اصالت میدهند، یعنی بجای آنکه در درجه اول روی نیرو و استعدادها و امکانات خود حساب کنند، قدرت و ضعف و یا موضع گیری دشمن را عامل اصلی در تعیین سرنوشت حق می دانند. بهمین جهت در تمام طول سالهایی که ملت ما با رژیم وابسته پهلوی در نبرد و ستیز بود، آنان بجای آنکه به قدرت ملت، بجای بسیج و تشکل نیروهای مردمی، چشم به دشمن دوخته بودند و بقیه در صفحه ۳

تبلیغات آمریکا علیه انقلاب و رهبران از خیلی پیش از اشغال سفارت آغاز و توسعه یافته بود.

اگر گروگان گیری بر این جریان سرعت و شدت بیشتری بخشد برای آن بوده که طرحهای برزنسکی افشا و باناکامی مواجه شد

در جای دیگر نوشتیم که باید مواظب شیطان بود، از یک در می رانیش، از در دیگر وارد می شود، در یک چهره افشایش می کنی در نقاب دیگری ظاهر میشود، یک بقده در صفحه ۲

"ترا بر بندگام تسلطی نیست مگر کسانی از گمراهان که تو را تبعیت کنند." (شیطان) گفت به عزت سوگند که همه آنانرا گمراه سازم مگر آن دسته از بندگانت که اخلاص دارند."

"ان عبادی لیس لك علیهم سلطان الا من اتبعك من القادین"
"قال فبعتك لا غوینهم اجمعین الا عبادك منهم المخلصین"
ص/ ۸۳۸۲

جنگ بامشی در از مدت چریکی، ضامن تداوم انقلاب و حفظ استقلال

بقیه در صفحه ۵

چه موانع و مشکلاتی بر سر راه هیئت هفت نفره واگذاری

زمین و سیاه پاسداران خرامه فارس وجود دارد؟

از آنجائیکه اعتقاد داریم مبارزه تمام عیار جبهه انقلاب، علیه دشمنان خارجی آن که بطور مشخص در بدبدهای بنام امپریالیسم و نیز آبادی آن متبلور است، جدا از مبارزه با پایگاههای استعمار در داخل و درون جبهه انقلاب

به هیئت های هفت نفره تقسیم زمین استان فارس دستور داده شده در مناطقی که میان دهقانان و خوانین درگیری و اختلافی نیست!! دخالتی به عمل نیایورند

نیست، لذا مبارزه با چنین پایگاههایی تا محو کامل آن و خنثی نمودن روابط ظالمانه ناشی از آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار می باشد.

روابط و مناسبات بیرحمانه زمینداری که معلول نظام مبتنی بر استکبار پیشین شاهنشاهی است در تمامی روستاها و بطور اعم همه مناطقی که شهرنشینی در آن نفوذ نیافته، ریشه دوانیده است.

بقیه در صفحه ۴

آمریکا و سیاست تشدید جنگ سرد

باری از تجارب ضد خلقی به همراه دارند، هر زمان که یک نیرنگشان با شکست مواجه شود، چهره های دیگر را آشکار می سازند و تجارب فراوان به آنها آموخته است که هرگز به یک راه دل نبندند، چرا که با بیداری محرومان جهان و رشد و ارتقاء فرهنگ انقلابی در سراسر سرزمینهای تحت سلطه امپریالیسم ناگزیر باید پیچیدگیهای لازم را برای حفظ تسلط داشته باشند و همواره پیش بینی های لازم را برای بکارگیری شیوه های گوناگون کرده باشند تا بتوانند قیام ملتها را سرکوب کنند. در تبیین استراتژی امپریالیسم جهانی نیز باید به این نکته توجه داشت که آمریکا هرگز به یک راه حل و روش برای سرکوبی و انحراف انقلاب متوسل نمی گردد، در آن زمان که خط سازش و مسالمت و روی کار آوردن عناصر محافظه کار و وابسته به خود را دنبال میکند، تدارک حمله نظامی و کودتا و... راهم می بیند تا در صورت شکست اولی بلافاصله حربه دوم را بکار گیرد. روی همین حساب است که بر خلاف نظر لیبرالها و ساده اندیشان و قشربونی که تصور میکنند با روی کار آمدن یک نامزد ریاست جمهوری اوضاع بهتر خواهد شد و تجاوزات آمریکا تخفیف خواهد یافت، باید گفت هرگز به مکرهای شیطان دل نبندید، چرا که تسلط و سلطه در جوهره نظام امپریالیستی وجود دارد و چهره ها و نمودهای گوناگون برای فریب بیشتر ستمیذگان جهان است نه تغییری در ماهیت نظام. آمریکا علیرغم تمامی تظاهرات صلح طلبانه و عدم تشدید جنگ سرد و رعایت حقوق بشر در کشورهای جهان سوم در این اواخر خصوصا بعد از اشغال لانه جاسوسین بقیه در صفحه ۱۰

ومکرو و مکر و مکر نامکرو و هم لایسعون. فانظر کیف کان عاقبه مکرهم انا دهرناهم و قومهم اجمعین. نمل/ ۵۰ و ۵۱ آنها نیرنگی کردند و ما نیز در آن حال که غافل بودند تدبیری کرده، بنگر که عاقبت نیرنگشان چه شد که ما همگیشان را با قومشان هلاک کردیم. شیطان بزرگ و وابستگانش با توجه به سالها کشتار و غارت خلقهای محروم جهان کوله

بستن و مصادره صرافی ها، يك اقدام انقلابی، که باید در موارد مشابه نیز اعمال شود

۱۷۹- ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید و آنچه از ربا در دست شما باقیمانده رها کنید اگر مومن آید - و اگر بقیه در صفحه ۴

بدنبال فتوای انقلابی امام خمینی مبنی بر تحریم خرید و فروش ارز، سرانجام اولین قدم در جهت از بین بردن این نهاد سرمایه داری که آشکارترین شیوه رباخواری را صورت رسمی و مشروع بخشیده بود، برداشته شد.

خرید و فروش پول یکی از اشکال ربا و از بارزترین آنهاست و کمترین تردیدی در نامشروع بودن این عمل نیست. آیات قرآن

خرید و فروش پول یکی از اشکال ربا و از بارزترین آنهاست و کمترین تردیدی در نامشروع بودن این عمل نیست.

حاکمیت نظام سرمایه داری، مذهب را هم مسخ و در خدمت خویش فرار داد.

و سنت رسول خدا در این باره بدون کمترین ابهام ربا را از عظیم ترین گناهان و ارتکاب آنرا در حکم اعلان جنگ با خدا و رسول او قلمداد کرده اند. "یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و دزوا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین - فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله وان تبتم فلکم رثوس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون" بقره/ ۱۷۸ و

بیجاخت اید نولوژیک
دکتر حسب الله یسنان

مقوله های اساسی مکتب جهان بینی

فروضه ای در تبیین معجزه

معجزه های انبیا عبارتند از کارهایی که انجام آن توسط مردم غیر ممکن است ولی پیامبران قادر به انجام یا آوردن آنها هستند. هدف معجزات اثبات صداقت پیامبران در این ادعاست که از جانب خدا مامورند و به آنان وحی میشود و آنچه میگویند از جانب اوست. بنا به اعتراف خودشان، انبیا بدون اراده و اذن خدا قادر به آوردن معجزات نبودند، یعنی بعنوان یک بشر معمولی، انبیا نیز از آوردن معجزه و انجام آن اعمال خارق العاده عاجزاند، تنها در مقام

پیامبری و با اذن و اراده خداوندی می توانند دست به چنان اعمالی بزنند و پدیده های خاصی را ظاهر سازند. "ماکان لرسول ان یاتی بایه الا باذن الله" رعد/ ۳۸ نبوده است رسولی مگر آنکه آیتی (معجزه ای) به اجازه خدا بیاورد. "قالت لهم رسلهم ان نحن الا بشر مثلكم و لكن الله یمین علی من یشاء من عباده و ماکان لنا ان ناتیکم بسلطان الا باذن الله" ابراهیم/ ۱۱ رسولان نشان بانان گفتند که ما جز بشری همانند شما نیستیم ولیکن خداوند بر هر کس بخواهد منت می گذارد و ما را نرسد که دلیلی (معجزه ای) جز به اذن خدا بیاوریم. بقیه در صفحه ۶

اندام حواس امت مسلمان: محاکمه جاسوسان و محاکمه امپریالیسم آمریکا در دادگاه خلق است

این ملت تن به...

توطئه‌اش را خنثی می‌کند، دسیسه تازهای می‌چیند. او دائماً در کار دام‌گذاری و فریب و خدعه‌آست و کارش بسن راه خدا و بیرون راندن خلق خدا از صراط مستقیم است. اما با همه زرنگیها و شیطنت‌هایش با همه مکر و حیلهاش چنانکه خدا فرمود، تلاش‌هایش در جائیکه ایمان و آگاهی هست تقوی و خلوص و صداقت است، بجائی نمی‌رسد. تیرهای زهرآگین و لعاب‌دارش در مؤمنان و صالحان بی‌اثر است و راه تاثیرش در دل کسانی که همیشه بیاد خدا هستند و از هر غرض و مرضی آزاد، بسته است.

حکومت وابسته، یا (آنچه بیشتر بدان امید بسته بود) تاثیرگذاری در سیاست‌های انقلاب و هدایت آن به مسیر سازش و وابستگی که مسلماً متضمن حفظ منافع اقتصادی و نفوذ و موقعیت سیاسی و نظامی وی در ایران و کل منطقه بود و بالاتر از آن اثر رشدیابنده و نفوذ وی آنهم در میان سایر ملتها خنثی و عمیق می‌گردید. بعد از قریب ۲۲ ماه که از پیروزی ۲۲ بهمن می‌گذرد، با وجود استمرار و تشدید تلاش‌های دشمن بطور یقین می‌توان گفت که هنوز موفقیتی جدی کسب نکرده و در

صراحتاً باید گفت که در کلیه موارد - سد محکم در برابر این فشارها و توطئه‌ها روحیه انقلابی و قدرت مقاومت و ستیزه‌جویی ملت و ایمان نیرومند آنان به آرمانهای اسلامی و نفرت و کینه عمیقشان نسبت به قدرتهای متجاوز و زورگو بوده است

مجموع در کوشش‌های خود ناکام مانده است. انقلاب همچنان (با ضعف‌ها، نارسائیها و گندیهای) به راه خود ادامه می‌دهد. یعنی نه از نظر نظامی شکست خورده‌ایم و در نتیجه قدرت سیاسی همچنان در دست انقلاب و رهبر آن میباشد و نه از نظر سیاسی توانست‌اند گرایشها و نظریات خود را بر ما تحمیل کنند و در مسیر سازش و وابستگی قرار دهد. بارها توانست خود را تا آستانه یا مرز موفقیت برساند و درست هنگامی که پیروزی را مسلم می‌نگاشت، با یک اقدام انقلابی ملت و برخورد قاطع امام امیدهایش به یاس مبدل می‌گشت و ناچار میشد کار را از ابتدا و از طریق دیگری آغاز کند. توطئه‌های سیاسی در زمان دولت موقت وقتی داشت به نتایج مطلوبی (از نظر امپریالیسم) میرسد، با اشغال لانه جاسوسی خنثی گردیدند. کوشش بعدی با قطع رابطه سیاسی بی‌ثمر ماند. تلاش بعدی با شکست هیئت‌مدیره و بعدی با ناکامی هیئت مامور آزاد کردن گروگانها و بعدی با خالی برگشتن از کنفرانس تهران و بعدی با شکست مأموریت آقاخانهای و ضیاء‌الحق و شطی و بعدی با شکست حمله طیس و بعدی با افشای توطئه کودتا و بعدی با احاله سرنوشت گروگانها به مجلس و بعدی و بعدی...

صراحتاً باید گفت که در کلیه موارد، سد محکم در برابر این فشارها و توطئه‌ها روحیه انقلابی و قدرت مقاومت و ستیزه‌جویی ملت و ایمان نیرومند آنان به آرمانهای اسلامی و نفرت و کینه عمیقشان نسبت به قدرتهای متجاوز و زورگو بوده است که بصورت بارزی در رفتار و برخورد امام در برابر آمریکا و اقدامات او منعکس و متجلی می‌شود.

پیش از آنکه به عامل زیربنایی این مقاومت اشاره کنیم، ذکر این واقعیت ضروری است که دست‌های اجرائی و مسئولان و زمامداران ما هرگز وظایف و مسئولیتهای خود را متناسب با این روحیه و قدرت مقاومت و برخورد قاطع و انقلابی مردم و رهبر انقلاب انجام ندادند، بلکه بعکس بکرات روشی متضاد و در جهت مخالف خواست انقلابی مردم پیش گرفتند نتیجه یک چنین تناقضی بین حرکت مردم و رهبر و عمل دولتمردان این بوده است که از یکسو نهضت انقلابی و اسلامی ادامه یافته و دشمن را همچنان عقب نگاهداشته است، اما از طرف دیگر وظیفه انجام تغییرات بنیادی در ریشه‌کن کردن نفوذ دیرینه آن در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و فرهنگی و زدودن آثار سلطه و

امپریالیسم شیطان مکاری است که با استعمار و استثمار و با انواع تجاوزات و ستمگریها و جنایت و آدمکشیا و قساد و تباهاگرها، خلق‌ها را اسیر در بند جهل و گرسنگی، استبداد و فقر و استضعاف نگاه - میدارد تا خود همچنان ارباب جهان باشد و علتها برده او.

امپریالیسم جهان‌نخور بسرکردگی آمریکا از آغاز رشد و اعتلای جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران تا پیروزی ۲۲ بهمن و از آن زمان تاکنون برای متوقف کردن این حرکت متعالی و رو به رشد برای بسن راه این سیل بنیان‌کن و آزادبخش، بهر شیوه‌ای متوسل شده است و هر مکر و حیل‌های را بکار برده و حاصل تجربیات خود را در سرکوبی نهضتها، در منحرف ساختن جنبشها و نفوذ در داخل آنان، تطمع و یا تهدید رهبران، تفرقه‌اندازی، ایجاد جنگ و آشوب، کودتا و تهاجم نظامی، اعزام دلالان و واسطه‌ها تا هجوم صلح و آشتی، همه را در برابر انقلاب ایران بکار برده و بی‌بردی. این بازیها و تیرنگها و توطئه‌ها از زمانیکه اطمینان خود را در نگاهداری حکومت شاه از دست داد آغاز گردید. گابینه آشتی ملی و سپس دولت بختیار و بعد اعزام هیوز برای وادار کردن ژنرالهای ارتش به عقب‌نشینی و اتخاذ موضع بیطرفی و برقراری تماس و مذاکره و گفتگو در تهران با رهبران متنفذ بهنگامی که امام رهبر واقعی انقلاب در پاریس بودند، همه بمنظور نجات دادن رژیم و منحرف ساختن جهت حرکت انقلابی مردم بود که با همه کوششها موفقیتی در بر نداشت. قیام خونین ۲۲ بهمن پیش آمد و هرچه شیطان تنیده بود پاره گشت، با اینحال ما یوس نگشتند و به‌نیرنگهای خود ادامه دادند. آثار اقدامات و توطئه‌های آمریکا از آن تاریخ بی‌عید بصورت‌های مختلف آشکار گردید و انقلاب بسختی زیر فشار نظامی (تحریکات از داخل و خارج مرزها) و اقتصادی (تحریم‌ها و...) سیاسی (برقراری رابطه با جناحهای سازشکار و لیبرال و نفوذ دادن مزدوران و جاسوسان و تفرقه‌اندازی، تلاش برای نفوذ در محیط‌رهبری و تاثیر - گذاری درگرایشها و سیاست‌های امام و...) و تبلیغاتی (حملات وسیع و گسترده علیه انقلاب و رهبران و مخدوش کردن چهره اسلام و انقلاب، سپاشی، شایعه‌پراکنی...) دشمن قرار گرفت.

امپریالیسم در ضدیت خود با انقلاب هر امکان و تجربه‌ای که داشت به خدمت گرفت و در جهت دو هدف اصلی‌اش بکار برد: سرکوبی قطعی و ساقط کردن حکومت انقلاب و جایگزین کردن آن توسط یک

صنایع فلزی، شیمیایی، نفت و پتروشیمی، صنایع غذایی، دارویی، کشاورزی، طب و آزمایشگاهی، تسلیحاتی و... وابسته به فنون جهان سرمایه‌داری است. هنوز اقتصاد و ذخایر پولی ما وابسته به درآمد نفت است و خریداران نفت همه از ممالک سرمایه‌داری و امپریالیستی هستند، حمل و نقل بین‌المللی در کنترل آنان است و حمل‌ونقل داخلی ما به‌مصنوعات گارخانجات آنان وابسته است.

امپریالیستها امیدوارند که تا وقتی این ساخت و بنیاد وابسته وجود دارد، هر اقدامی برای حل مشکلات اقتصادی و تجاری و پولی یا نظامی و تسلیحاتی که در چارچوب این نظام وابسته صورت گیرد، بی‌نتیجه بماند و بطورقطع هم وابستگی را تشدید می‌کند و پای ممالک استعماری و نمایندگان آنان و شرکتهای بین‌المللی سرمایه‌داری را به ایران باز خواهد کرد.

امپریالیستها آگاهانه و با توجه به همین صانع درآمدت بود که تا مدت‌ها از کامل کردن محاصره اقتصادی ایران خودداری ورزیدند تا ما مجبور نشویم روابط و بافت وابسته را بگلی درهم ریخته اساسی جدید بر پایه امکانات داخلی بوجود آوریم. از هجوم نظامی عراق هم دشمن برای تشدید فشار به انقلاب استفاده کرد و امیدوار بود که احتیاج واضطرار ما را مجبور خواهد کرد برای خرید اسلحه و دریافت پول و اعتبار و مایحتاج صنعت و تجارت خود، امتیازاتی داده بجانب آنان روی آور شویم. دلیل واضح در تأیید این نظر چشک‌هاست است

که زمامداران واشنگتن و به تبع آنان مزدوران و عمده آمریکا در منطقه نظیر مصر اخیراً به ایران می‌زنند. اینکه این اواخر گارتز بطور غیرمستقیم عراق را متجاوز شناخت و سعی کرده به ایران بقباند که در صورت حل مسأله گروگانها آمریکا از ایران طرفداری خواهد کرد (۱) و یا ناگهان ادوئند ماسکی وزیر خارجه آمریکا از بیخاطره افتادن تمامیت ارضی ایران ابراز نگرانی می‌کند (۲) و وقتی گارتز اعلام می‌کند که در صورت آزادی گروگانها سپرده‌های ارزی ایران را آزاد و با ایران روابط عادی بازگشایی برقرار می‌کند و دستور میدهم تمام دارائیهای مسدود شده آزاد گردد و تحریم اقتصادی علیه ایران برداشته شود و برای برقراری روابط بازگشایی اقدام خواهیم کرد، وجود ایران نیرومند و تمامیت ارضی ایران منافع آمریکا را تضمین می‌کند، ما خواهان ایرانی نیرومند و قدرتمند هستیم که دارای حکومتی مورد خواست مردم باشد (۳) باید ما را بفکر بیندازد، لحن این سخنان با آنچه زمامداران واشنگتن برای ایران زیر سلطه شاه آرزو می‌کردند، تفاوتی ندارد، آنوقع هم ایرانی نیرومند و مستقل و با تمامیت ارضی و متکی به مردم می‌خواستند. این کدام ایران و با کدام نظام و سیاست است که میتواند مورد علاقه آمریکا باشد. سخنان

پاسخ این سوال را باید در شناخت و توجه به دو عامل جستجو کرد و تا وقتی این دو عامل وجود دارند، دشمن به آینده امیدوار است و دست از توطئه و دسیسه برنخواهد داشت. اگر دو عامل همچنان باقی بمانند، آمریکا باز هم حاضر است شکستهای تازه‌ای را بپذیرد و خوار و تحقیرهای بیشتری را تحمل کند و در انتظار روزی بماند که دو عنصر قدرت و مقاومت یا دو مانع بزرگ وی از سر راه کنار رود تا در آنموقع با استفاده از دو عامل

فراموش نکنیم که اگر دشمن این توده‌های انقلابی و رهبر آنان امام خمینی را بزرگترین خصم خود می‌پندارد تنها به این دلیل است که آشتی‌ناپذیر باقی مانده‌اند و زرهی آسیب‌ناپذیر از ایمان و توکل و اخلاص دارند

(یا دو نقطه‌ضعف) بسرعت وارد عمل شده، موقعیت از دست رفته را بازپس گیرد. دو عنصر قدرت و مقاومت را بیشتر یاد کردیم، ملتی مبارز و انقلابی و هوشیار و رهبری با تقوی و نفوذناپذیر. اما دو عامل یا نقطه ضعف کدامند: (۱) نظام اقتصادی، نظامی، اداری و فرهنگی وابسته: در شناخت این عامل یا نقطه ضعف کافی است از یاد نبریم که هنوز صنایع اساسی یا زیربنای تولید صنعتی ما در وابستگی کامل با جهان سرمایه‌داری است. هنوز عمده کالاهای مصرفی ما از ممالک اروپا، آمریکا و ژاپن وارد میشود، هنوز اسلحه‌های ارتش ما آمریکائی است و ابزار و قطعات یدک آن و دیگر صنایع کشور باید از آن ممالک وارد شود. فنون (تکنولوژی) ما در همه رشته‌های صنعتی -

گارتز، حقیقت را فاش می‌کند. آمریکا ایرانی را نیرومند، مستقل و با تمامیت ارضی می‌خواهد که بتواند با آن روابط بازگشایی دیرین و مبادلات پولی و صنعتی و نظامی گذشته را از سر گیرد. ممکن است آزادخواهان! لیبرال بگویند داشتن روابط تجاری و صنعتی و مالی با کشورهای آمریکا و اروپا و ژاپن چه ایراد دارد، مگر ما می‌توانیم دور خود دیوار بکشیم و با همه قطع رابطه کنیم؟ جواب ما اینستکه نفس داشتن رابطه اشکال که ندارد هیچ، قطعاً لازم هم هست. اما رابطه داریم تا رابطه، کیفیت این رابطه به وضع داخلی ما بستگی دارد، ما طرف خود را خوب می‌شناسیم که قدرتی است سلطه‌جو و متجاوز و استعمارگر. اگر در شرایطی که هنوز اقتصاد و صنایع و تجارت و پول و

نفت و ارتش و تسلیحات ما وابسته به مصنوعات آنهاست رابطه برقرار کنیم، سلطه مجدد آنها را بپذیرا شده‌ایم. ما با این نوع رابطه مخالفیم. و بقول امام این انزوا را تحت‌این شرایط بپذیرا هستیم و استقبال می‌کنیم. ما چرا از جنگ درآمدت مردمی دفاع می‌کنیم و آنرا شعار درست و انقلابی و مکتبی می‌شناسیم و چرا یک جنگ کوتاه‌مدت و کلاسیک را رد می‌کنیم، زیرا در یک جنگ کوتاه‌مدت و کلاسیک برای آنکه پیروز شویم ناچار باید دست‌گدایی بسوی استعمارگران دراز کنیم. دلیلش آنستکه

عامل یا امید دوم آمریکا و سایر قدرتهای استعماری به‌گرایشهای سازشکارانه و روحیه‌های لیبرالی و تمایلات تسلیم‌طلبانه نه در داخل است سیاست‌هایی که به‌عنوان خط برژینسکی معروف شده است عمدتاً بر این عامل متکی است

تسلیمات ما آمریکایی است و مجبوریم از آمریکا برای تقویت نیروی کلاسیک خود اسلحه وارد کنیم و با اینکار وابستگی ارتش به آمریکا محکم‌تر میشود و این دقیقاً همان هدفی است که آمریکا تعقیب می‌کند. برای آنکه اسلحه مدرن و کلاسیک بخیریم، پول احتیاج داریم و به حل بحران اقتصادی و حل کوتاه‌مدت و سریع این مشکل باز هم مستلزم روی آوردن به آمریکا و برقراری روابط تجاری و صنعتی است که نتیجه آن پرشدن مجدد بازارها از کالاهای آمریکایی، اروپائی و ژاپنی و تشدید وابستگی صنعتی و ترویج مجدد صنایع مونتاز و وابسته شدن پولمان به دلار و پولهای اروپائی و ژاپنی و وابسته ماندن اقتصادمان به نفت و... و اینهمه معنای قبول مجدد وابستگی کامل به امپریالیسم است. حالا چه اهمیت دارد که از لحاظ سیاسی مستقل باشیم، این استقلال دیری نمی‌ماند چنانکه مالک مستقل آفریقا و آسیا که بعد از مرارتها و تلاشها به استقلال سیاسی رسیده‌اند، ولی چون از لحاظ اقتصادی در وابستگی باقی ماندند و استعمارنو بر آنان مسلط شد، استقلال سیاسی‌شان هم دولتی نیابرد. این عامل (وابستگی فغلی ساخت اقتصادی نظامی و اداری و فرهنگی کشور امید اول آمریکا و نقطه ضعف اساسی ما در مبارزهای است که با دشمن داریم.

۲ - عامل یا امید دوم آمریکا و سایر قدرتهای استعماری به‌گرایشهای سازشکارانه و روحیه‌های لیبرالی و تمایلات تسلیم‌طلبانه در داخل است. سیاست‌هایی که به‌عنوان خط برژینسکی معروف شده، عمدتاً بر این عامل متکی است. حتماً لازم نیست این عوامل مزدور و یا وابسته به آمریکا و اروپا یا ژاپن باشند، بعکس در ایران عصر انقلاب، دست عوامل وابسته و مزدور خیلی زود رو میشود و اسنادشان افشا می‌گردد، از این عناصر کار مهمی در این زمینه ساخته نیست همین اندازه که در زمامداران و دولتمردان روحیه انقلابی و بینش مکتبی غایب باشد، و بجای آن روحیه سازش و تسلیم‌طلبی و یا بینش لیبرالی و گرایشهای سرمایه‌داری مسلط باشد، کافی است تا عملاً آلت اجرای مقاصد سیاسی آمریکا قرار گیرند و سیاست‌هایی را تعقیب کنند که به وابستگی مجدد و کامل ما به دشمن منجر می‌گردد. ما این عامل را در ضعف تقوی و بینش مکتبی ریشه‌یابی می‌کنیم. برای آنکه چنان کلی‌گویی کرده‌ایم که هیچ معیاری از آن بدست نمی‌آید، در یک کلمه و در این مورد خاص منظوره‌مان از داشتن تقوی، مصون بودن از وسوسه‌های قدرت و رهبری - طلبی، رفاه‌طلبی، داشتن زندگی راحت و آسوده و موقعیت ممتاز اجتماعی و شهرت نام و عنوان و پول و امکانات، که تقوای پرهیز است و نیز داشتن روح ستیزه‌جویی با

بقیه در صفحه ۸

ایران واحد است و با دست واحد ۳۵ میلیون جمعیت با صدای واحد در مقابل قدرتها ایستاده است و هیچ قدرتی نمیتواند یک ملت را منزوی کند و هیچ ملتی نمیتواند بزرگ ملتی که پیاخته است حکومت کند (امام خمینی)

امت

رابطه بین گروگان گیری و پیروزی ریگان

بقیه از صفحه ۱

اعمال و حرکات خود را با موقعیت دشمن تنظیم و متعادل می‌ساختند. اگر امریکا سخت می‌گرفت و از دیکتاتورها پشتیبانی می‌کرد و سرکوب را تجویز می‌نمود، آنان به درون خانه‌ها پناه می‌بردند و سکوت پیشه می‌ساختند و اگر چشم محبتی به آنان می‌دوخت و روی مصلحت خویشتن، دریچه اطمینانی را می‌گشود و دم از آزادی و حقوق بشر می‌زد، "فورا" آنانرا اجازه‌ای برای آغاز فعالیت قلمداد می‌کردند. بی‌جهت نیست که در تمام سالهای بعد از مرداد ۳۲ نیروها و گروههای لیبرالی مذهبی و غیر مذهبی نسبت به سرنوشت انتخابات امریکا بشدت علاقمند و حساس بودند. آنان امریکا را حامی و پشتیبان اصلی استبداد شاه می‌دانستند و معتقد بودند تا وقتی امریکا از شاه و رژیم او حمایت می‌کند، امکان مقابله با وی وجود ندارد و راهی جز سکوت و انتظار باز نخواهد بود، باید منتظر تغییرات در سیاستهای امریکا باشیم از این رو تفاوت‌های سطحی در سیاستهای دو حزب جمهوریخواه و دموکرات امریکا برایشان بسیار اهمیت داشت. علاقمندی و ارتباط آنان با جناحهای لیبرال امریکا به کسی پوشیده نیست، چشم امیدشان همیشه به حزب دموکرات و جناحهای لیبرال دوخته بود.

اجازه بدهید بیک نکته اشاره کنیم تا رفع سوء تفاهمی شود که قطعا" در جواب این نظر مطرح خواهند کرد. ما هیچوقت تاثیر و نقش عوامل و شرایط خارجی را انکار نکردیم، بلکه آن را فقط زمینه عمل نیروی حق می‌دانیم نه آنکه حرکت حق را تابعی کنیم از حرکات باطل. کسانی که پیروزی یا شکست خود را در روی کار آمدن این یا آن جناح سیاسی در امریکا می‌بینند

نویسنده معتقد است که نامزدها از ضدیت مردم با جنگ استفاده کرده به کرسی ریاست جمهوری می‌نشستند ولی بعدا" زیر قول و قرار و وعده‌های خود می‌زدند و کارتر را هم از این قماش می‌دانند که مزورانه اساس کار تبلیغات خود را بر راستی و پاکی قرار داد و بعدا" خلاف وعده‌های خود رفتار کرد. لذا می‌نویسد "بحث انتخاب بین دو فرد نیست، بلکه دو روانشناسی و طرز فکر است که در جامعه امریکا در برابر هم رشد می‌کنند". کارتر را بیابانگر روانشناسی جامعه‌ای می‌دانند که به دغل و فریب نظام خویش پی برده است و

تغییر روشهای سیاسی دشمن را برای ملت خود سرنوشت ساز می‌شمارند، درحقیقت نیروی عمل مردم و حق را بکلی نفی و انکار می‌کنند. در این بینش مردم بردگان بی‌اراده و فاقد قدرت و عملی هستند که باید همیشه چشم به دست ارباب بدوزند و اگر او چیزی به آنها داد، صاحب آن هستند والا بی‌نصیب خواهند ماند.

یکی از دلایل اصلی مخالفت این جناحها با اقدام دانشجویان پیرو خط امام و گروگانگیری جاسوسان امریکائی دقیقا" همین مطلب بود که معتقد بودند، این عمل امریکا را بر سر خشم می‌آورد و از اعطای بعضی نیازمندیها به ما خودداری می‌کند، درست مثل وقتی که اربابی از رفتار بردماش عصبانی شود و نان و خوراک و پوشاک وی را قطع کند و او را محکوم به گرسنگی و برهنگی نماید، این جناحها استدلال می‌کردند که محاصره اقتصادی و قطع ارسال مواد اولیه و ابزار صنعت و خوراک و کالا و اسلحه و مهمات همه نتیجه عصبانیت امریکا از عمل دانشجویان و گروگان گیری جاسوسان است و از این جهت سخت آندوهگین و ناراحت بودند و بعدا" برای جبران مافات و رفع عصبانیت از امریکا، تلاش سختی برای آزاد کردن گروگانها بعمل آوردند و از اینکه می‌دیدند دانشجویان و اکثریت توده امام زیر بار نمی‌روند و با مصالحه و سازش با امریکا موافقت نمی‌کنند، ناراحت و متعصب بودند.

این گروهها که اختلاف کیفی بسیار بزرگی بین سیاستهای حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات قائلند و همانند اسلاف لیبرال خود مشتاقانه آرزومند پیروزی دموکراتها می‌باشند، با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری امریکا، از ادامه گروگانگیری و خشم مردم امریکا هراسناک و آنرا یک عامل بسیار منفی برای کارتر

جهان تنها در گرو یک خطابه و آزادی یا اسارت گروگانها بود و هست؟ نویسنده با وجودیکه در ابتدا تفاوتی بین دو رقیب به عنوان دو فرد قائل نمی‌شود، سرانجام باز هم به موضع اصلی خود برمی‌گردد و با افسوس تمام می‌گوید "آیا نباید بین فاسد و افسد، فاسد را انتخاب می‌کردیم؟ آیا روش علمی و شناخت علمی ایجاب نمی‌کرد که کاری کنیم تا کارتر انتخاب شود و "مکتیبون" را برای اینکارشان سرزنش و به نداشتن علم و شناخت علمی متناسب می‌نماید. متأسفانه باید گفت که بیست لیبرالی یعنی اصالت دادن به شرایط خارجی و تکیه به عمل دشمن در تصمیم گیری عجلوانه درباره گروگانها در نشست مجلس مؤثر افتاد. این تفکر با آنچه تاکنون ملت ایران کرده است و امام بر آن تکیه داشتند تضاد دارد و جای شگفتی و بازهم تأسف است که کسانی از مدعیان پیروی از خط امام هم دارای همین تفکراند. مطمئنا" اگر ملت و رهبر انقلاب می‌خواستند بر اساس این بیانش حرکت کنند، هنوز محمدرضا بر سر کار و نظام سطحتی استوار و در بهترین صورت ما دارای حکومت بختیار یا حکومت اتحاد ملی از بختیار و دیگر لیبرالها بودیم که قطعا" چند عضو روحانی لیبرال هم در آن کابینه اتحاد شرکت می‌داشتند! همینقدر که امروز بجای سلطنت، جمهوری و حاکمیت انقلابی داریم، دلیل درستی و تفکری است که اصالت را به مردم، حق و درون می‌دهد و این تفکر است که مکتبی و توحیدی است.

محرم، انقلاب حسین یاسداری از اصول مکتب

حسین، همزمانی که حسین در شب قبل از نبرد غریبالشان ساخته بود، غریبالشده گامی پاک‌باخته که وابستگی‌ها را ترک کرده و خصلت‌ها را زده و مقولمانی بنام ترس و پروا را به سرخری گرفته بودند، چرا که چنین میدانی، مکانی برای حضور و عرض اندام ست‌عنصران و دنیا داران و وابسته‌ها نبود و نیست زیرا ترس نتیجه و تاثیر مستقیم وابستگی و علقه‌های بشری است. حسین و باران به نسبت‌ها و نسبت‌ها پشت کرده و رو به جلو، راه مطلق واحد را پیش گرفتند، امتی واحد و هدفدار، سیاهی پستیزان و همه‌طلبانه‌دار. در این نقطه تاریخی، زمان به حسین متوسل می‌شود تا او را که فرسنگها، پس از انقلاب محمد، به عقب سوق داده‌اند، به جلو آورد و حسین هم با بی‌بردن به عمق فاجعه حاکمیت مجدد ارتجاع، درخواست را اجابت نمود تا باطل را به جایگاه همیشه خود که جایی جز علق سیاهیها ندارد، فرو فرستد. لیحق الحق و بیاطل لیا طل ولو کراهه لمجرمون تا ثابت و ظاهر گرداند حق را و ضایع کند باطل را اگرچه گناهکاران کراهت دارند. نبرد حسین علیه تباهی حاکم یزیدی، کیمیت و تعداد اربابان را به پوچی و بیهودگی گرفت و به اصالت و ارزش، ایمان و اعتقاد به قدرت حقیقت مطلق رای داد. رنگ سرخ در تاریخ ما رنگ منتخب و گزیده مستضعفان است و شهادت نیز در مکتب توحید، خارج شدن از بن‌بست‌هاست گذر از راهبندانی است که سکندنگان حرکت تکامل ایجاد کرده‌اند. سوا حسین در قمر خون نشست تا اصول مکتب در صدر و زیر نشیند. خصم هلهله‌زن، غروب عاشورا را افول حرکت حق طلبانه حسین می‌پنداشت، اما ظفر یافتن، حتما" غلبه کردن و پیروز شدن کمی نیست.

بپرداخت که اگر روغن را بفروشم با آن فلان چیز می‌خرم و آنرا گرانتر می‌فروشم و کالای دیگری و همینطور تا خود را غرق در ثروت و جلال و صاحب کاخها و زنان زیبا و... یافت و در همان لحظه که در اوج لذت و خوشی ناشی از خیال پردازی بود، عصایش به کوزه خورد و غلظید و شکست و روغن بر زمین ریخت. نویسنده بر همین روال می‌نویسد: "اصل و هسته مساله اصلی در چیست؟ همان است که سید ابوالحسن بنی‌صدر سرپرست وزارت امور خارجه در تدارک سفر به شورای امنیت... در نامه‌ای نوشت: مساله اصلی تغییر روانشناسی یک ملت است و من نمی‌خواهم مسئول این شکست بزرگ بشیرت در مقیاس جهانی باشم، نمی‌خواهم انقلاب اسلامی... خود اسباب ساز فاشیت‌ها و زورمداران تاریخ گردد. نوشت نباید اجازه داد ملت امریکا دوباره بدنبال گاوچران برگردد - ولی افسوس" نویسنده در حقیقت میخواهد بگوید که اگر وزیر خارجه وقت به شورای امنیت می‌رفت و خطابه‌ای ایراد می‌نمود و گروگانها را آزاد می‌ساخت، فاشیت‌های گاوچران - ریگان - روی کار نمی‌آمد و فاجعه بزرگ رخ نمی‌داد و ایشان مسئول شکست بشیرت نمی‌شدند. راستی تا این حد بین کارتر و ریگان گاوچران اختلاف است، یا یک نطق همراه آزادی گروگانها می‌توانست نظام امریکا را بکلی درهم ریزد و حکومت مردمی و انسانی روی کار آورد؟ آیا مفهوم امپریالیسم در امریکا و سراسر

نظامی و نفتی نیستند؟ اگر اینطور است و اگر بهرحال امریکا و صاحبان صنایع نظامی و غیرنظامی و شرکت‌های نفتی همه یکسان از انقلاب ایران زبان دیدند، برای آنان دشوار بود تا با در اختیار داشتن کلیه وسایل تبلیغی و تلقینی روانشناسی تهاجمی و ستیزه‌جویی را در امریکائیا برانگیزند؟ تبلیغات امریکا علیه انقلاب و رهبران از خیلی پیش از اشغال سفارت آغاز و توسعه یافته بود. اگر گروگانگیری به این جریان سرعت و شدت بیشتری بخشید برای آن بود که طرح‌های برزینسکی افشاء و با ناگامی مواجه شد و توطئه سازش شکست خورد. بیانش لیبرالی اصالت دادن به عامل خارجی دقیقا" از این قسمت مقاله بدست می‌آید که معتقد است رسالت بزرگ و اصلی رئیس‌جمهور این بوده است که روانشناسی ملت امریکا را تغییر دهد و از این طریق امتیازاتی برای ما کسب کند و لاید با اینکار نظام امپریالیستی امریکا را دگرگون سازد. تاجه اندازه سادماندیشی، باید تا کمی تصور کرد با شرکت در شورای امنیت و ایراد یک خطابه در تحریک وجدان ملت امریکا، آنانرا بر ضد نظام خویش برانگیزد و به شورش فراداد و وقتی نظام امریکا و حکومت آن تغییر کرد، خودبخود جریان بسود ملت ایران تمام می‌شود و امریکا از دشمنی با ما دست برمی‌دارد؟ این تحلیل و امید و آرزو بیشتر به آرزوها و خیالات صاحب کوزه روغن شبیه است که در اندیشه خود به خیالپردازی

نویسنده معتقد است که نامزدها از ضدیت مردم با جنگ استفاده کرده به کرسی ریاست جمهوری می‌نشستند ولی بعدا" زیر قول و قرار و وعده‌های خود می‌زدند و کارتر را هم از این قماش می‌دانند که مزورانه اساس کار تبلیغات خود را بر راستی و پاکی قرار داد و بعدا" خلاف وعده‌های خود رفتار کرد. لذا می‌نویسد "بحث انتخاب بین دو فرد نیست، بلکه دو روانشناسی و طرز فکر است که در جامعه امریکا در برابر هم رشد می‌کنند". کارتر را بیابانگر روانشناسی جامعه‌ای می‌دانند که به دغل و فریب نظام خویش پی برده است و

تغییر روشهای سیاسی دشمن را برای ملت خود سرنوشت ساز می‌شمارند، درحقیقت نیروی عمل مردم و حق را بکلی نفی و انکار می‌کنند. در این بینش مردم بردگان بی‌اراده و فاقد قدرت و عملی هستند که باید همیشه چشم به دست ارباب بدوزند و اگر او چیزی به آنها داد، صاحب آن هستند والا بی‌نصیب خواهند ماند.

یکی از دلایل اصلی مخالفت این جناحها با اقدام دانشجویان پیرو خط امام و گروگانگیری جاسوسان امریکائی دقیقا" همین مطلب بود که معتقد بودند، این عمل امریکا را بر سر خشم می‌آورد و از اعطای بعضی نیازمندیها به ما خودداری می‌کند، درست مثل وقتی که اربابی از رفتار بردماش عصبانی شود و نان و خوراک و پوشاک وی را قطع کند و او را محکوم به گرسنگی و برهنگی نماید، این جناحها استدلال می‌کردند که محاصره اقتصادی و قطع ارسال مواد اولیه و ابزار صنعت و خوراک و کالا و اسلحه و مهمات همه نتیجه عصبانیت امریکا از عمل دانشجویان و گروگان گیری جاسوسان است و از این جهت سخت آندوهگین و ناراحت بودند و بعدا" برای جبران مافات و رفع عصبانیت از امریکا، تلاش سختی برای آزاد کردن گروگانها بعمل آوردند و از اینکه می‌دیدند دانشجویان و اکثریت توده امام زیر بار نمی‌روند و با مصالحه و سازش با امریکا موافقت نمی‌کنند، ناراحت و متعصب بودند.

این گروهها که اختلاف کیفی بسیار بزرگی بین سیاستهای حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات قائلند و همانند اسلاف لیبرال خود مشتاقانه آرزومند پیروزی دموکراتها می‌باشند، با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری امریکا، از ادامه گروگانگیری و خشم مردم امریکا هراسناک و آنرا یک عامل بسیار منفی برای کارتر

تغییر روشهای سیاسی دشمن را برای ملت خود سرنوشت ساز می‌شمارند، درحقیقت نیروی عمل مردم و حق را بکلی نفی و انکار می‌کنند. در این بینش مردم بردگان بی‌اراده و فاقد قدرت و عملی هستند که باید همیشه چشم به دست ارباب بدوزند و اگر او چیزی به آنها داد، صاحب آن هستند والا بی‌نصیب خواهند ماند.

پیام خون حسین در یک عصر و در یک نسل متوقف نشده و بویا و متحرک، حرکتگر شد و همیشه هم در حرکت است. و آفتاب سوزان و برحرم کریلا هم نتوانست، خون جوشان جانگرفگان بر طبق اخلاص را بخشکاند.

از آنجا که می‌باید یک واقعه را با توجه به علل و چرایی وقوع آن مورد بررسی قرار داد، در ادامه بحث به بررسی انگیزه‌های قیام و علل آن و گوشه‌هایی از حرکت معاویه... خواهیم پرداخت.

انی والله لولقیتمهم واحدا" وهم طلاع الارض کلها ما بایلت ولا استوحشت وانی من ضلالهم الذی هم فیه والهدی الذی انما علیه لعلی بصیره من نفسی و یقین من ربی و انی الی لقاء الله للمشاق ولحسن ثوابه لمنتظره اج.

بشر در بدو ورود به عالم انسانیت، فاقد شخصیت و خصلت‌های انسانی است و بسیاری از مردم از آن بی‌بعد و تا امروز هم این خصلت‌ها را فاقدند. این محرومیت ناشی از عدم برخورد با موانع و مشکلات می‌باشد. چرا که مانع و اشکال و ابتلاء است که شکل دهنده شخصیت انسانی است. در میدان ابتلاء و مبارزه است که معین میکند فرد باید چگونه و به چه طریق و با چه سرعتی در مسیر که در آن قرار گرفته حرکت کند. در این مسیر سراسر پیکار، استعداد‌های نهفته آشکار میگردد و هر استعدادی نمایانگر یک خاصیت و ویژگی جدید در فرد است. حال هرچقدر فشار سختی‌ها افزونتر و انسان برای هر لحظه مسئول و متعهد و ناچار به پس دادن حساب، آنکه حرکت نیز سریع‌تر خواهد بود و انسانی که سرفراز از آزمایشات بیرون آمده، فردی است مقاوم و معتقد و تزلزل -

امروز در مقابل همه کشورهای که بخواهند به ماتعدی کنند قیام خواهیم کرد و ملت ما با قدرت اسلامی، با قوای نظامی و انتظامی، با مجاهدین اسلام و با همه قدرتهای مسلح و غیر مسلح با هم هستند و کسی نمیتواند به این مملکت تعدی کند. (امام خمینی)

بقیه از صفحه ۱

چه موانع و مشکلاتی بر سر راه هیئت هفت نفره واگذاری

زمین و سپاه پاسداران خرامه فارس وجود دارد؟

آنان این مهم را به عهده گیرند!! چرا که اگر زمینها برای کشت به دهقانان واگذار شوند، آنگاه گرفتن زمین از آنان با اشکال مواجه خواهد شد!!

اکنون باید از آقایان پرسیده شود در شرایط کنونی انقلاب و مورد هجوم قرار گرفتن آن از جانب امیرالایم و مزدورانش بویژه در مقطعیکه افزایش تولید و رسیدن به مرز خودکفائی بیش از همیشه لزوم احساس میگردد، باید اینچنین فرمان داد و اینگونه مانع از بیاد شدن طرح که باید هرچه سریعتر اجرا شود، گردید؟

مگر در خلعه از خوانین خوخوار تردیدی هم هست؟ مگر نه اینکه زمین را میباید از غاصبانش پس گرفت و برای تحقق اصل خدامالکی آنها در اختیار دهقانان زحمتکش قرار داد؟ آیا اینان در کجا سراغ دارند که میان دهقان و فئودال، تضادی عمیق و آشتی ناپذیر حاکم نباشد که امر می کنند در جایی که اختلافی میان این

تصویب طرح واگذاری زمین به دهقانان علیرغم تمام سنگ اندازیها و کارشکنیهای گسترده، در شرایط کنونی، مبارزه ای بر علیه نظام فئودالی می باشد. بهمین منظور از سوی وزارت کشاورزی، هیئتهائی جهت بیاباده نمودن این طرح به نقاط مختلف کشور گسیل شده اند که کار آنها مشخصاً بروی گرفتن زمین از خوانین و تحویل به دهقانان بی زمین و خویشین و نیز نظارت در امور کاشت و داشت و برداشت متمرکز است. هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین در غالب نقاط مورد حمایت نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی قرار گرفته اند، از جمله در منطقه خرامه استان فارس، که سپاه پاسداران منطقه از این طرح و حتی فراتر از آن نیز، پشتیبانی همه جانبه بعمل می آورد. سپاه خرامه که از جوانانی صادق و حامی دهقانان متشکل گردیده، بخاطر خط مردمی و انقلابیست در حمایت از دهقانان محروم و دیگر

سپاه پاسداران منطقه خرامه که از جوانانی صادق و حامی دهقانان متشکل گردیده، بخاطر خط مردمی و انقلابیست در حمایت از دهقانان محروم و دیگر فعالیتها، پیوسته تحت فشار شدید بعضی روحانیون و برخی نهادهای استان فارس قرار گرفته و تاکنون اظهارهای بسیاری از جانب آنان به سپاه داده شده است، اما سپاه همچنان در خط مستقل خود حرکت کرده و نیز امکاناتی نظیر وسیله آمد و رفت و سایر امکانات را در اختیار هیئت واگذاری زمین منطقه نهاده است.

اما در کنار افراد صادقی چون اعضاء سپاه خرامه، هستند کسانی که در همین استان و حتی در مرکز آن، شیراز، با وجود تصویب این طرح و لازم الاجرا بودن آن به انحاء و طرق گوناگون مانع از پیاده شدن آن میشوند و از آنجا که طرح مزبور به نائید هیئت سفیره وامام رسیده است، قدرت مخالفت علنی با آن را ندارند. از جانب یکی از روحانیون استان فارس وهمچنین یکی از نهادهای هیئت های تقسیم زمین از بکار بردن قدرت کامل منع گردیده اند و چنین دستور داده شده که زمینها فقط باید به زیر کشت بروند چه بوسیله خان و چه بوسیله رعیت!! وهمچنین یادآوری گردیده است در مناطقی که میان دهقانان و خوانین درگیری و اختلافی نیست! هیئت های تقسیم زمین اصلاً به سراغ آنها نروند و هیچگونه دخالتی بعمل نیآورند!! و به مالکان و خرده مالکان اجازه داده شده است که شخصاً زمینهای تحت تسلک را کشت نمایند! و اگر مالکین محترم از کشت زمینهایشان خودداری نمودند، آنگاه زمینها به روستائیان اجاره داده شود تا

توضیحی پیرامون گزارش توطئه فئودالها بر سر خرمن و محصول کشاورزان کلاگر محله جویبار



مشکلی است. شورای ده و عده ای از مردم این روستا برای آوردن حاکم شرع راهی قم شدند و خواستار تعیین حاکم شرع شدند و بعد از چند شبانه روز اقامت در قم توانستند یک نفر قاضی شرع جهت منطقه معین کنند ولی بعد از چند روز حاکم شرع هم منطقه را ترک گفت و تمام زحمات روستائیان بی نتیجه ماند تا اینکه موقع دروئی گندم فرا رسید، کشاورزان این منطقه برای روشن شدن وضع درو گندم به آنگاه انقلاب قائم شهر رفتند، در همین مراجعه علیه فئودال معروف علی توکلی شکایتی به دادگاه دادند. بالاخره طبق حکمی به شماره ۴۷۸، از دادگاه انقلاب ۵۹/۲/۱۷

به سپاه پاسداران ماموریت نظارت در برداشت محصول و تحویل آن به شرکت تعاونی قائم شهر داده شده بود. هنگامیکه برادران سپاه در محل زمین حاضر شدند، کشاورزان شروع به دروئی گندم نمودند، اما بعد از گذشت یک ساعت، یک نفر روحانی بنام طهماسبی از یکی از قریه های بابل همراه علی توکلی به زمین آمد و گفت که من حکم از دادستانی برای نظارت بر جمع آوری گندم و تحویل آن به شرکت تعاونی را دارم ولی معلوم نیست که پول آن به شما داده خواهد شد یا نه (و اظهار نظر میکند که پول روستائیان وقتی که این حرف را شنیدند، خشمگین شده و به مخالفت با وی برخاستند و طهماسبی چون با این مخالفت روبرو شد از آنجا رفت. در حالیکه به طرح اصلاحات ارضی رضاصفاهانی شدیداً حمله کرد و آنرا کثافتکاری تلقی کرد. بعد از دو روز که بیشتر گندم ها درو شده بود، طهماسبی با یک ماشین بر از گونی به آنجا آمده و به

یکی از مشکلاتی که در جامعه ما وجود دارد و انقلاب ما را تهدید میکند، مسئله زمینداری و فئودالیسم است. با اینکه در نظام اسلامی جایی برای زمینداری بزرگ وجود ندارد، ولی در بعضی از نقاط کشور روز بروز بر قدرت فئودالها افزودن می گردد. از جمله بعضی مسئولان امور در مازندران نتنها توجهی به این خطر بزرگ ندارند، بلکه در بیشتر نقاط به حمایت از فئودالها هم می پردازند. یکی از فئودال های معروف منطقه توکلی است که زمینهای کشاورزی محرومین کلاگر محله جویبار در حومه قائمشهر را با زور و با قبالة ساختگی به مالکیت خود در آورده و بوسیله این سند ساختگی، کشاورزان را مورد ظلم و ستم و استثمار قرار می داد. کشاورزان چندین بار به مقامات مسئول مراجعه نمودند ولی آنها نسبت به این مسئله ترتیب اثری ندادند. بالاخره بعد از مدت ها از طرف هیئت هفت نفره اصلاحات ارضی قائمشهر به این محل آمدند و چند نفر از روستائیان را بعنوان شورای ده برگزیدند. مسئولیت شورای ده فقط آمارگیری زمین و افراد بود ولی مردم خواهان مسئولیت بیشتری برای این شورا بودند. بعد از چند روز خبر دادند که شورای ده ۷ نفره قائم شهر بنا به عللی تعطیل شد و شورای ده چندین بار به دادگاه انقلاب و فرمانداری و استانداری مراجعه کرده ولی نتیجه مثبتی نداشت تا اینکه بالاخره عنوان کردند که بعلت نبودن حاکم شرع موضوع برخورد با زمین مسئله

دو نیست! دخالتی بعمل نیاید. حال جای آن دارد نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران خرامه و ستادهای تقسیم زمین و دیگر جوانان صادق و انقلابی با پای فشاری بر اصول انقلابی - مکتبی، گرفتن زمین از خوانین و واگذاری آن به کشاورزان را هرچه سریعتر انجام دهند که در اقتصاد جنگی کنونی، دهقانانی فعال و مولد در کنار برادران زحمتکش کارگر، مهمترین نقش را به عهده دارند.

برادران هیئت های هفت نفره واگذاری و تقسیم زمین و سپاه پاسداران با توجه به تأییدی که امام از طرح کردند و فرمانی که جهت ادامه کار هیئت شش نفره دادند، باید با پشتگیری و تلاش بیشتری به کار خود ادامه بدهند و از موانع و مشکلاتی که برایشان ایجاد می کنند، نترسند و عقب نشینی نکنند و همچنان به مسئولیت سنگینی که به عهده آنان گذاشته شده است، عمل کنند. به امید پیروزی نهائی حق بر باطل.

زمین از آن خداست و در اختیار کسی است که روی آن کار می کند. مرگ بر فئودالیسم و حامیان آن

در ردیف سایر اشکال ربا که هنوز هم رواج کامل دارد، علیرغم ضدیت صریح آن با احکام اسلامی و زیانهای جبران ناپذیری که متوجه اقتصاد جامعه انقلابی می گردد و نقشی که صرافان در خارج ساختن ارز و ذخایر پولی کشور داشتند، تا چند روز قبل رواج داشت و این در حالی بود که از چندین پیش امام طی فرمانی هر نوع معامله پول و خرید و فروش ارز را ممنوع اعلام کردند و امور پولی را منحصراً به بانکهای دولتی واگذار نمودند. اقدام بانک مرکزی و کمیته های انقلاب در بستن صرافیها و مصادره ارزهای موجود در مغازه های صرافی اگرچه دیر ولی بهر حال طومار زندگی یک نهاد ضد توحیدی را در هم بیچید و اکنون مردم انتظار دارند که این روش در مورد انواع دیگر رباخواری و روابط استثماری که متأسفانه باز هم با توجهات شرعی در بازار و در سایر مناسبات اقتصادی و تولیدی کشور رایج است بکار رود. مسلماً اخذ سود از سرمایه بهر شکلی که باشد،

مردم انتظار اقدامات قاطع و انقلابی در حذف مناسبات استثماری در تجارت و تولید و توزیع را دارند. مردم خواهان

دست سرمایه داران، محترمان و واسطه ها را از بازار کوتاه کنید و آترابه شوراهای اسلامی تجارت و توزیع بسازید.

بستن و مصادره صرافیها، یک اقدام انقلابی، که باید در موارد مشابه نیز اعمال شود

نکردید، پس جنگ با خدا و رسولش را اعلان کنید و اگر توبه نکردید، اصل سرمایه های شما از آن شاست نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید.

حاکمیت نظام سرمایه داری، مذهب را هم مسخ در خدمت خویش قرار داد. تعالیم عدالت بخش و احکام ضد استثماری اسلام یکی پس از دیگری فراموش یا دستخوش تحریف و سوء استفاده قرار گرفت و بر تمامی روابط و نهادهای سرمایه داری کلاه شرعی گذاشته است.

رباخواریان برای توجیه اعمال خلاف شرع و ظالمانه خود غالباً دست بدمان فقهای بظاهر مسلمانی می شدند که رابطی تنگناک با بازار و سرمایه داشتند و سهمی

از سود کلانی که رباخواران از خون و شیره جان زحمتکشان می مکیدند، مزورانه بنام سهم امام دریافت و در ازای آن فتاوی در مشروعیت بخشیدن به آن روابط و معاملات ربوی و استثماری صادر می کردند و با این پوشش و توجیه مذهبی هر صدای مخالفی را در گلو خفه و به لامذهبی و ضدیت با اسلام و شرع منتهی می ساختند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توده های انقلابی ما انتظار داشتند که در اولین فرصت تاروپود آن روابط ستمگرانه برجسته شود و به عمر انواع و اشکال رباخواری و استثمار که هر یک زیر یک پوشش و کلاه شرعی پنهان شده بودند، خاتمه داده شود. صرافیها و خرید و فروش اسکناس و ارز

بافولید هر چه بیشتر و مصرف هر چه کمتر دین خود را به دلاوران حاضر در جبهه نبرد با آمریکا و عراق ادا کنیم و زندگی مصرفی تحمیل شده از فرهنگ آمریکائی را ریشه کن کنیم

بقیه از صفحه ۱

نجاوز عراق و آثار و تبعات ناشی از آن حقایق نازمای را اثبات و بر توهمات و نقطه نظراتی انحرافی خطایان کشید. فشار ارتشی عراق برای تسخیر کامل خویسن شهر و اشغال آبادان مسلماً مقدمه - ایست برای اشغال شهرهای اهواز و دزفول و سپس کلیه مناطق خوزستان. بر کسی پوشیده نیست که اگر مقاومت حماسه آفرین مردم نبود، ارتش عراق ناکون به بساری از هدفهای خود دست یافته بود.

بطور مشخص از زمین نیروهای رزمنده نیروی دریایی و نیروی هوایی ما بیکم کارکنان و خلبانان و همافران مومن به انقلاب و فدائکار در انهدام پایگاههای دشمن و وارد کردن ضربه‌های کاری بر قدرت نظامی و نظامی و منابع حیاتی، وظیفه خود را در بهترین شکل ممکن انجام داده و دست به ابتکارهای زده است که چنانکه مشهود است غالباً با انگیزه‌های مکتبی و ایمان قوی و حمایت مردمی قابل توجیه است. خلبانان جنگنده‌ها و هلیکوپترها با شهامت فوق‌العاده و با هوشیاری و خلانیت فکری فوق‌العاده‌ای عمل کرده‌اند و صنعتگران و مأموران فنی و تعمیرکاران ما در ساختن و تعمیر قطعات یدکی به موفقیت‌های شگفت‌انگیزی نایل آمده‌اند. این همه از برکت حمایت نودها و انگیزه قوی اسلامی و مهنی در جنگ با دشمن و دفاع از انقلاب و استقلال کشور است. بدون تردید نیروی هوایی با همسایگان و ابزار و طیاره‌ها در زمان شاه قادر به ارائه چنین نمایش‌هایی از شهامت و فدائکاری و قدرت عمل نبود.

وضعیت نیروی زمینی و ارزشیابی کار آن بدلیل بیجیدگی و وخامت عوامل متعدد نیاز به تفصیل و حوصله و وقت مناسب دارد. بطور کلی یک مساله بر همگان روشن است که نیروی زمینی ما بطور عادی از لحاظ نفرات و تجهیزات بر نیروی زمینی عراق برتری کاری داشته است اما اگر مقاومتی درخور این توانایی انجام نداد، بعضی معتقدند که ضربه بر نظام ارتش و تضعیف بسیاری فرماندهان، نیروی زمینی را از کارایی و وحدت فرماندهی محروم ساخته است. در اینکه این نیرو فاقد یکپارچگی و انسجام و وحدت فرماندهی گذشته است تردید نیست، لکن باید سوال کرد اگر ارتش بهمان حال و وضع گذشته (زمان شاه) باقی میماند، با دوباره بهمان صورت تجدید سازمان و فرماندهی پیدا می‌کرد، میتوانست از انقلاب ایران در برابر تجاوز عراق دفاع کند، یا خود به ضد انقلاب تبدیل میشد؟ شک نیست که آن ارتش با آن فرماندهان و نظم و فرهنگ و روحیه نمی‌توانست در خدمت منافع ملت و انقلاب باشد و دگرگونی‌هایی در ساخت و فرماندهی آن ضروری بوده است. ابراهیم کی‌مستولین و دولتمردان ما وارد است، اینکه امر تفصیه و بازسازی انقلابی ارتش را بناچار انداختند و همچنان در حفظ وضع گذشته و انکس به فرماندهان پیشین بای فشرده تا توطئه کودتا پیش آمد و تصفیه‌هایی انجام گرفت. ولی هنوز تجدید نظام ارتش بر موازین مکتب و مصالح انقلاب انجام نیافته و هنوز ارتش و فرماندهی جدید تجدید سازمان نشده بود که تجاوز عراق آغاز شد، از این رو طبیعی بود که نیروی زمینی با آن وضع

جنگ بامشی درازمدت چریکی، ضامن تداوم انقلاب و حفظ استقلال

۱ - تجربه‌های تاریخی معاصر، در مقابله ملت‌ها با امپریالیسم گویای این امر است که تنها جنگهای منگی به مردم و با حضور مستقیم مردم، میتوانست خلعها را تضمین کند و حیات امپریالیسم را بخطر افکند. ملت فهیمان ایران در دوران مبارزه با رژیم، با شهامت و ایثارها، نشان داد شایستگی ادامه مبارزه را دارد و از آمادگی کامل نیز برخوردار است.

۲ - نهادهای جوشیده از مردم، در دوران انقلاب و نهادهای انقلابی مانند سپاه، بهترین ادامه‌دهندگان راه انقلاب می‌باشند. سپاه پاسداران که متشکل از جوانان پرشور و فدائکارو با ایمان میباشد، بعلت همین ویژگیها از هر نیروی نظامی دیگری شایسته‌تر بوده و حق آنست که انقلاب بازوی اصلی نظامی خود را سپاه تلقی کند. متاسفانه فقدان آموزشهای نظامی لازم که مستقیماً دولتمردان و مسئولان ملکتی در اجرای آن مسامحه و کوتاهی نموده‌اند، و همچنین فقدان تسلیحات سنگین برای سپاه، این فرصت را ایجاد کرده است که عده‌ای روی این ضعفها انگشت گذاشته و صلاحیت سپاه را برای ادامه جنگ مورد تردید و سوال قرار دهند. لکن مشاهده کرده‌ایم در آن هنگامیکه سلاحهای سنگین در اختیار آنان قرار گرفته شده است، با پیش گرفتن مشی چریکی عملیات موفقیت‌آمیزی را بانجام رسانده‌اند.

۳ - از جمله منافع که امپریالیست‌ها در انتظار بودند تا در پی تهاجم بعثی‌های عراق به ایران نصبشان شود، مراجعه ایران به آنها و تقاضای کمک نظامی از آنها بود. بخصوص که ارتش ایران در گذشته بعلت ساخت و سیستم وابسته، و وابستگی تسلیحاتی بسیار زیاد به امریکا، از جمله

امیده‌های آنان در تامین منافعیان بحساب می‌آمده است. اما موضع‌گیری امام و مردم و نیروهای انقلابی و توده‌های با ایمان و فدائکار ارتشی در جهت گسترده کردن جنگ و مردمی کردن آن خواب آنان را بر هم زد. امپریالیست‌ها بسیار خوشحال خواهند شد از اینکه ایران انقلابی دست نیاز بسویشان دراز کند و تقاضای کمک تسلیحاتی نماید و از این امر بخوبی استقبال می‌کنند. روشن است که با توجه به ماهیت شیطانی و استعماری و استثنای آنها، کافی است انقلاب ایران از آنان کمک نخواهد، تا آنان در پشت ماسک کمک، نقشه‌های شوم خویش را تحقق یافته ببینند و مجدداً وابستگی آغاز شود. واضح است که این سخن در رابطه با ماهیت شیطانی امپریالیسم است، والا نفس تهیه ساز و برگ بشرط اینکه مانع استقلال نباشد، هیچگونه اشکالی ندارد.

۴ - جنگ چریکی و درازمدت، بعلت گستردگی‌اش، بعلت آشنائی مردم با فنون جنگی و بکارگیری استعدادها در جهت ساختن لوازم و قطعات یدکی، و بعلت کشیده شدن جنگ به مناطق روستائی و کوهستانی و مشارکت روستائیان در مبارزه، و در یک دید کلی شرکت مردم در سرنوشت جامعه، به خط سازشکاری و محافظه‌کاری ضربه وارد کرده و راه هرگونه سازش را بسته و انقلاب در مسیر اصلی به پیش خواهد رفت.

۵ - میزان شرکت مردم در یک مبارزه انقلابی، نشانه پیوستگی مردم و استحکام پیوستگی آنها با انقلاب میباشد. از اینرو مشارکت توده‌های مردم و نیروهای انقلابی در یک جنگ چریکی درازمدت پیوند آنان را با انقلاب و هدفهای آن مستحکم‌تر می‌نماید و تلاشهای مذبحخانه دشمن را در تبلیغات مسموم و توطئه‌های خائناناش در هم خواهد شکست. همچنانکه بارها گفته‌ایم، امید انقلاب به توده‌های فدائکاری است که آماده هرگونه

درازمدت را قیلاً توضیح داده و باز هم در پایان این نوشته اشاراتی خواهیم کرد. در اینجا به چند نکته مهم اشاره می‌کنیم:

(۱) اصرار بر لزوم جنگ مردمی درازمدت و حملات چریکی، نفی ارزش جنگ کلاسیک از جانب‌ارتش را در بر ندارد. ارتش باید بتواند همه قوای موجود و سلاحهای خود را در یک جنگ منظم بکار برد.

(۲) سپاه پیش از آنکه دارای سلاحهای سنگین و کلاسیک و قادر به استفاده از آنها شود، هرحه وسیعتر خود را درگیر یک مبارزه چریکی همه‌جانبه در تمام نقاط اشغالی توسط دشمن بنماید. و سایر نیروهای داوطلب با آموزش درست - و نه سرهم‌بندی - چریکی آماده بکار موثر علیه



دشمن شوند.

(۳) در زمینه بسیج داوطلبان بویژه در امر بسیج عشایر داوطلب برای جنگ با استناد به تجربیات تلخ گذشته مراقبت لازم بعنی آید که کار بدست فنودالها و شیوخ خویشین قرار نگیرد و موقعیت آنان در سایه ضرورت‌های جنگ تثبیت نگردد و مورد حمایت مسئولان قرار نگیرند. زیرا این‌عناصر همانند فرماندهان طاغوتی ارتش در صورت کسب موقعیت به ضدانقلاب تبدیل خواهند شد و موقعیت بدست آورده را علیه دهقانان و نیروهای محروم و منافع خلق بکار خواهند برد.

(۴) در امر فرماندهی و سازمان‌دادن امر جنگ، ارتش، سپاه و سایرین هدفها و اغراض شخصی و خصوصی مسئولان و دولتمردان دخالت داده نشود. متاسفانه هم‌اکنون بعضی از موقعیت فعلی برای تسویه‌حسابهای خصوصی و کوبیدن رقبای خود استفاده کرده، موجب اخلال و بی‌نظمی و ضعف روحیه و تفرقه در جبهه جنگ و بین نیروهای رزمنده میشوند. بعضی دولتمردان حتی یک فرصت کوتاه را برای بیان اغراض و اهداف سیاسی و خصوصی خود از دست نمی‌دهند و برای جلب محبوبیت و تحقیر و منزوی ساختن مخالفان خود، مصلحت انقلاب و مردم را نادیده می‌گیرند.

اکنون به چند مورد که دلالت بر ضرورت پیش‌گرفتن خط مشی جنگ مردمی در برابر جنگ کلاسیک و تخصصی اشاره میشود:

انگیزه‌های اسلامی و مهنی در جنگ شرکت جستن و فدائکاری و شهامت فوق‌العاده نشان داده و می‌دهند، اما در مجموع ارتش نتوانسته است قدرتی را که از لحاظ سلاح و نفرات و تجهیزات در اختیار داشته است بنحو موثری در جنگ بکار برد و دشمن را بسرعت به عقب براند. این امر معلول باقیماندن همان مناسبات گذشته و بعضی عناصر و فرماندهانی که همچنان فاقد انگیزه‌های اصلی مکتبی و مردمی برای مقاومت و دفاع هستند، می‌باشد.

سیاستهای نادرست دولتمردان و فرماندهان نظامی در ارتش و دگرنگی‌ها در گذشته علاوه بر تولید اشغال فوق‌الذکر مانع از برقراری یک بیوند و همکاری انقلابی

و مکتبی بین ارتش و سپاه گردید و سپاه را علیرغم داشتن ظرفیت انقلابی و مکتبی و پشتوانه مردمی فوق‌العاده از آموزش، و از تجهیزات و تسلیحات لازم محروم نگاه - داشت. لذا تعجب‌آور نیست اگر می‌بینیم ارتش با داشتن سلاحهای فراوان و پیشرفته از تانک و توپ قادر نیست آنها را بدرستی بکار برد و یا در اختیار نیروهای رزمنده چون سپاه و داوطلبان قرار دهد. مساله بعدی استفاده درست از نیروهای رزمنده مردمی و داوطلبان است که متاسفانه بعلت غافلگیر شدن! مسئولین بنحو نامطلوبی انجام می‌گیرد. علیرغم اعلام تشکیل بسیج و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی در سال گذشته، تا این اواخر و آغاز جنگ اقدام عملی در این زمینه برداشته نشد و به حرف و شعار اکتفا گردید، داوطلبان آموزش کافی ندارند، نه میتوانند در جبهه یک جنگ کلاسیک بطور موثر شرکت کنند - یا سلاح سنگین ندارند و یا کار با آنها نمی‌دانند - و همه میدانند که یک رزمنده داوطلب با یک ژ - ۳ به تنهایی در جبهه جنگ کلاسیک چندان کارآیی ندارد. از تاثیر روانی بسیار مثبتی که حضور انبوه داوطلبان در روحیه سربازان و نظامیان و پاسداران می‌گذارد بگذریم و رای آنکه یک رزمنده بتواند در جنگ چریکی مفید داخل شود، آموزش و تمرین و توانایی کافی می‌خواهد که هیچکدام را کسب نگردانند. اخیراً "سپاه پاسداران حملات چریکی را آغاز کرده است که نتایج آن موفقیت آمیز بوده است. ما ضرورت‌های اساسی اتخاذ استراتژی جنگ مردمی - چریکی

جانساری و ایثار برای آن هستند و مردم رزمنده و فدائکار ما هرگز در انتظار امپریالیسم نبوده، و حتی به انتظار دولتمردان نخواهند نشست. مردم با ایمان ما هیچگاه در انتظار اجازه برای بیکار نیستند و خود راه را می‌سازند، تا زمانیکه انقلاب به انگای جتنی ملتی به پیش منازد، از هیچ جنگ و مصیبت و رنج باکی نیست، و تا مردم اینجتنی از جان مایه می‌گذارند و در صحنه مبارزه استکارات خویش را به منصفه ظهور می‌رسانند، نیازی به کمکهای امپریالیست‌ها و تسلیحات آنان که باعث وابستگی خواهد شد، ندارند.

یادی از چریک

برادران و خواهران دانش‌آموز ما که در انقلاب همگام و همراه با دانشجویان و اقشار دیگر مردم شرکت موثر داشتند، جان پرشور و حرارت حضور خود را در مراحل بعدی هم نشان دادند که برای بساری غیرقابل تصور بود. دانش‌آموزان ما در طول انقلاب و در جریان عمل و مبارزه منکر عالی‌ترین شیوه‌های مبارزه در نوع خودشان بودند و آنچنان محیط مدارس را دگرگون کردند که رژیم از آنهمه هوشیاری آنان بوخت افتاد و زبونی و ضعف خود را در مقابل قدرت آنان با کنتراهای بی‌دربی نشان می‌داد، تا روز ۱۳ آبان که دانش‌آموزان در دانشگاه تهران حماسه آفریدند و نقطه اوج حرکت خود را نشان دادند. این نیروی عظیم بعد از پیروزی ۲۲ بهمن نیز هوشیارانه و فعال در صحنه سیاسی باقی ماند و همچنان بعنوان وزنه‌ای در مبارزات مرحله‌ای انقلاب مطرح بوده و هست.

شعری که می‌آوریم یکی از خواهران دانش‌آموز سروده است که در مجموع مناسب میدانیم که آنرا چاپ کنیم. باشد تا در این رهگذر موثر واقع افتد و باعث رشد و ترغیب استعداد‌های نهفته در دانش‌آموزان گردد.

- ایاتی تاریکست
- باردگر برای تو
- گل‌ها را برپیر کرده‌ام
- دگر نمی‌توانم بشنیم
- و مرگ یک یک
- یارانم را بشوم
- نه
- دیگر زندگی دشوار است
- و تو
- مرا با گوله‌بارهای غم
- زندگی تنها و یگانه
- گذاشتی
- من تنها نیستم
- اول خدایم
- و بعد سلاحم
- با من است
- بدان که راحت را
- میروم
- هر شب و هر بار
- پلکهایم را
- نمی‌بندم و
- منظر رفتن هستم
- به امید روزی که
- طلوع صبح
- طلوع آزادی
- همجا را فراگیرد
- و توده
- این طلوع را
- بخود تبریک
- گوید.

با خلع ید از سر مایه‌داری وابسته و تشویق و حمایت از صنایع دستی و ملی، جنگ با امپریالیسم را در بعد اقتصادی وسعت بخشیم.

بقیه از صفحه ۱

رسولاً الی بنی اسرائیل انی قد جنتمک بایه من بکم انی اخلق لکم من الظین کبینه - الطیر فانح فیہ فیکون طیراً باذن الله و ابری الاکمه والا برص و احو الموتی باذن الله... آل عمران/ ۴۹ رسولی هستم بسوی بنی اسرائیل آن آوردم برای شما آیتی (معجزه‌ای) از جانب پروردگارتان که می‌آفرینم برای شما پیگری مانند پرنده و می‌دمم در آن پس با اذن خدا پرنده‌ای میشود و گور مادرزاد و مریض مبتلا به پستی را شفا می‌گم و مردگانرا به اذن خدا زنده می‌گردانم. " و از قال الله یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک... و اذ تخلق من - الظین کبینه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی و تبری الاکمه والا برص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی" مائده/ ۱۱۰ هنگامی که خدا گفت ای عیسی بن مریم تعمرم را بر خودت بیاد آر... و زمانی که به اذن می‌آفریدی از گل مانند پرنده‌ای پس در آن می‌دمیدی و به اذن من پرنده‌ای میشد و گور و پستی را به اذن من شفا می‌دادی.

از طرف دیگر می‌دانیم که خداوند در هیچ قلمروی از خلقت امر و اراده خود را جز در مسیر علل و اسباب ظاهر نمی‌سازد. به دیگر سخن خلقت خداوند با نظم و قانونمندی همراه است و نباید پنداشت که

معجزات آیتی هستند که همانند سایر آیات باید از یک سلسله مقدمات و تحولات طی بگذرند اما این مرحله بسیار مراحل را به اراده خدا پاسر می‌کند زاید الوصف طی می‌کند

ممکن است پدیده‌ای از جانب خدا ظاهر گردد که فاقد نظم و اندازه و قانونمندی باشد، نه اینکه خداوند مجبور باشد کار خود را با قوانین منطبق کند یا در چارچوب قوانین و نظمی که خارج از اراده اوست، عمل نماید، ایندو از هم جدا نیستند، یعنی خلقت خدا با نظم و قاعده همراه است. بنابراین معجزه هم که پدیده‌ای از آیات الهی است، از این قاعده خارج نمی‌باشد. خارق‌العاده بودن معجزات به نسبت معرفت و توانائی ماست، چون ما انسانها از قواعد آن بی‌اطلاعم و یا چون قادر به انجام دادن آنها نیستیم، لذا برایمان خارق‌العاده و خارج از نظم و قاعده می‌نمایند در صورتیکه معجزه هم مثل سایر آیات خداست و از این نظر تفاوتی بین آن و سایر آیات الهی وجود ندارد. همانطور که قرآن به پدیده‌هایی چون ابر، باران، روئیدن گیاه، تولد نوزاد اطلاق آیه می‌کند، معجزات انبیاء را هم آیات می‌نامد.

حال که دانستیم همه آیات الهی و ظهور اراده وی با قاعده و نظم و قانونمندی همراه است، باید دید چه تفاوتی است بین ظهور یک پدیده در حالت عادی و در حالت اعجاز. اگر در وقوع معجزات و ظهور آیتی از آن نوع، قانونمندیها و نظم و قاعده‌ها برهم نمی‌خورند و نمی‌شکستند، پس چرا یک چنین تفاوت چشمگیری بین پدیده‌های معمولی و معجزات وجود دارد؟ در بحث از تحول و مفهوم زمان دیدیم که برای ظهور یک پدیده تازه یا خلقت جدید، عبور از یک سلسله تغییرات کمی و کیفی ضروری است که مجموع این دوره‌ها اجلا نام دارد و بدون طی این مرحله و قبول آن تغییرات و رسیدن به اجل مسمی سرآمد و پایان مرحله، وقوع پدیده تازه یا تحول و دگرگونی غیرممکن است. پس اگر بپذیریم که در معجزات هم ظهور یک پدیده باید موکول به وقوع یک سلسله

تغییرات معین و قطعی (کمی و کیفی) باشد، در اینصورت این مرحله چگونه طی میشود؟

در دنباله همان بحث در تفاوت بین زمان واقعی و زمان تقویمی، متوجه شدیم با وجودیکه طی اجل قطعی است و نمی‌شود از آن صرفنظر کرد، اما زمان تقویمی رامیشود زیاد یا کم نمود. تغییر زمان تقویمی با وجود ثابت ماندن زمان واقعی به این دلیل ممکن است که سرعت وقوع تغییرات رامیشود کم یا زیاد کرد. تغییر زمان تقویمی، با وجود ثابت ماندن زمان واقعی به این دلیل ممکن است که سرعت وقوع تغییرات رامیشود کم یا زیاد کرد. اشاره کردیم که امروزه انسان قادر

داشت، در معجزه هم پدیده‌ای از حالتی به حالت دیگر تبدیل و متحول می‌گردد. بیمار مبتلا به مرض برای آنکه خوب شود، باید تغییرات زیادی در بدن او انجام گیرد که ممکن است انجام آن در آن شرایط در حال عادی غیرممکن باشد، اما اینکار برای خدا که قادر به خلق موجودات و شرایط تسریع تحول آنست، کاملاً امکان‌پذیر میباشد. از این رو میشود گفت در معجزات، پدیده‌ها بر طبق همان قانونمندی پیشین خود ظهور می‌کنند، لکن با سرعتی فوق‌العاده بطوریکه در چند لحظه ظاهر می‌گردد. یعنی برای زدن شدن مرده همه فعل و انفعالات لازم انجام می‌گیرد، لکن



است دوره رشد بعضی گیاهان را کوتاه کند (زمان تقویمی را کاهش دهد) و زودتر از موعد محصول بدست آورد، اما می‌دانیم که کوتاه‌شدن دوره رشد و میوه دادن، از اجل آن نمی‌گاهد، یعنی همان مقدار تغییرات کمی و کیفی باید رخ دهد. در این میان چه چیز اتفاق افتاده است؟ انسان با دخالت خود نظم و قاعده حاکم بر رشد گیاه را تغییر نداده است و قانونمندی آنرا نقض ننموده، بلکه این دخالت سبب شده است تحولات با سرعت بیشتری رخ دهند و پدیده‌ای که باید طی یکسال رخ دهد، ظرف مثلاً دو ماه ظهور کرده است. تردید نیست که انسان تا حدودی می‌تواند در روند تحول و خلقت پدیده‌ها تاثیر بگذارد و در این زمینه دستش بطور نامحدود باز نیست. تنها خدا از هر نوع محدودیتی آزاد است. مثلاً "تطور و تکامل ماده اولیه ما - طین" به انسان کامل مستلزم وقوع بسیار تحولات و طی بسیاری مراحل (اجلا) است که طی هر مرحله موکول به فراهم شدن شرایط مناسب و برای خود بوده است. تکرار چنین تجربه‌ای برای انسان غیرممکن است، حتی کوتاه‌کردن دوره رشد و تکامل نطفه از زمان انعقاد تا تولد نوزاد کامل از ۹ ماه به یکماه بنظر محال می‌آید، لکن انجام این امور برای خداوند که هیچ مانعی در راه خلافت و اعمال اراده وی وجود ندارد، کاملاً ممکن می‌باشد، چنانکه خداوند در پاسخ کسانی که درباره چگونگی خلقت حضرت عیسی سوال می‌کنند و قبول آن که پدیده‌ای غیرعادی بود، برایشان دشوار بود، می‌فرماید "ان مثل عیسی عند اللدکمثل آدم خلقه من تراب ثم قال کن فیکون" آل عمران/ ۵۹ نمونه گار (خلقت) عیسی نزد خدا همانند نمونه آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او گفت بشو پس (موجود) شد. اگر از موقع آغاز خلقت آدم از خاک تا رسیدن به مرحله انسانی زمان درازی طول کشید، وقتی اراده خدا تعلق گیرد، این فاصله زمانی طولانی، به یک لحظه کاهش می‌یابد. یعنی زیر تاثیر اراده خدا سلسله تغییرات و تطوراتی که باید طی میلیونها سال واقع شوند، با چنان سرعتی انجام می‌گیرند که ظرف چند لحظه تحقق می‌یابند. در واقع کلیه آن تغییرات رخ می‌دهد، اما در فاصله زمانی (تقویمی) بسیار کوتاه‌تری از آنچه در حال عادی ضرورت داشت. اراده خدا پدیده‌ها بر خلقت سریع و یک لحظه‌ای هرگاه به تعلق گیرد، بلافاصله انجام خواهد شد "ذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون" مریم/ ۳۵ هنگامی که قرار بر امری شود، جز این نیست که گوید بشو، پس موجود شود. لغت شدن بمعنی تحول از صورتی به صورت دیگر است. یعنی میگوید متحول شو، پس بدینک متحول خواهد شد. در کلیه این حالات پدیده با همان نظم و قاعده خاص خود خلق میشود. از آنجاکه جهان قائم به وجود خداست، و بدون وجود خدا موجودیت نخواهد

موجودیت آن با حرکت توأم است، حرکت و تغییر امری عارض‌شده بر شیئی نیست، بلکه پدیده چیزی جز حرکت و تغییر نمی‌باشد. نکته‌ای که در بررسی تاریخ هر پدیده درک میشود، یکنواخت نبودن آنست، پدیده امروز همان نیست که دیروز دیدیم و یا فردا بوجود خواهد آمد. وقتی رودخانه‌ای را در دشتی صاف می‌بینیم، مشاهده میشود که علیرغم حرکت دائمی آب، هویتی ثابت دارد، بطوریکه هر وقت بسراغش برویم می‌بینیم که رودخانه همان رودخانه است، یعنی در این مرحله از تاریخ دور و دراز خود هویت و وضعیت مشخص و ثابتی دارد که با آن شناخته میشود، درحالیکه اگر به گذشته آن رجوع کنیم و به مراحل نخستین عمر آن برسیم (به سرچشمه نزدیک بشویم) آن رودخانه را نخواهیم یافت. اگر چه پیوند بین آن و این گذشته قطع نشده، یعنی هنگامی که به قتل گوه که سرچشمه‌های رود در آنجا قرار دارند می‌رسیم، اثری از رود مشهود نیست، لکن خط اتصال برقه‌ای قله یا رودی که ما در دشت می‌شناسیم برقرار است، در اینجا پدیده دیگری است که بنام برف میشناسیم با هویت و وضعیت دیگری. هیچکس نمی‌گوید که برف همان رودخانه است، در صورتیکه در حقیقت رودخانه همان برف است، هر دو بهم متصل‌اند، یک واقعیت تاریخی را تشکیل می‌دهند، یک واقعیت که در هر مرحله با یک هویت خاص شناخته میشود. پس میتوان گفت که رود امروز ما زمانی برف یا یخ بوده است. در عین وجود یک اتصال بین گذشته (یخ) و حال (رود) ما با دو پدیده روبرو هستیم، در عین قبول اینکه همه یک واقعیت متصل و پیوسته بهم هستند و این رود آب همان برف و یخ قتل گوه است، اما باز هم هرکدام را با یک هویت مستقل و ساختمان وجودی خاص می‌شناسیم. اکنون از خود می‌پرسیم این واقعیت واحد تا کی برف و یخ بوده و از کی بعد آب و رود و چه موقع دریا میشود و چه وقت بخار و ابر میگردد، از یکطرف میدانیم که حرکت و تغییر تنها همان نیست که در موقع تبدیل یخ به آب یا رود به دریا و دریا به بخار و ابر مشاهده میشود، بلکه حرکت واقعیتی مستمر و متصل بهم میباشد. اگر حرکت و تغییر یک واقعیت مستمر و متصل است، این تغییرات چشمگیری در هویت این پدیده واحد چگونه رخ داده است، آیا بین حرکتی که در دل ذرات یخ و برف جریان دارد، با حرکت و تغییری که هنگام تبدیل یخ به آب می‌بینیم تفاوتی هست؟ آیا بین حرکت و تغییری که در دل قطرات آب در دریا جریان دارد با تغییری که موقع تبدیل آن قطره آب به بخار رخ می‌دهد، تفاوتی هست؟ آنچه مسلم است ایندو یک حالت و حرکت مشابه نیستند. در این نقطه این واقعیت واحد همان برف و یخ نیست و در

یک واقعیت تاریخی‌اند، اما دو پدیده می‌باشند و آب و بخار هم که یک واقعیت تاریخی‌اند، باز دو پدیده هستند. خط اتصالی هم بین دو حالت یا دو پدیده از یک واقعیت برقرار است، اما تفاوت حالات و تشخیص چندین پدیده در یک واقعیت واحد بیانگر تفاوت کیفیت حرکت در مراحل مختلف حیات آن واقعیت واحد است. کیفیت حرکت در مرحله یخ بودن با آن کیفیت در مرحله آب بودن متفاوتست به این دلیل که یخ غیر از آب است. وجود اتصال بین دو مرحله و واحد بودن همه

بهمین ماه ۵۷ سال الفصل اینس جامعه در این مرحله از تاریخ است، روز جدائی دو مرحله از تاریخ، دو هویت و ساختمان و نظام اجتماعی متفاوت، از زندگی یک واقعیت واحد.

اینها بعنوان یک واقعیت، نغی این تفاوت کیفی را در مراحل مختلف نمی‌کند. تا وقتی که این واقعیت یخ است، حرکتی با کیفیت خاص وجود دارد و در لحظه‌ای که آب میشود، حرکتی تازه با کیفیتی تازه پیدا می‌کند و در لحظه‌ای که بخار میشود حرکتی دیگر با کیفیتی خاص بدست می‌آورد و البته همه این حرکتها هم بهم متصل است و انقطاع و جدائی وجود ندارد. در نقطه یا لحظه‌ای که حرکت خاص (در یخ) جای خود را به حرکت تازه (در آب) میدهد، می‌گوئیم یک تحول کیفی جدید رخ داده که در نتیجه آن هویت این واقعیت واحد متصل‌بهم تغییر کرده است. این را نقطه بحرانی و لحظه تحول کیفی بزرگ و یا نقطه جدائی از حالت گذشته و رفتن به حالت جدید می‌نامیم. درست است که این واقعیت وقتی هم در صورت و کیفیت یخ است، با قبول اصل حرکت جوهری، دائماً از حالی به حالی میرود، لکن در تفاوت این دو نوع "شدن" تردید نیست، زیرا با چشم این تفاوت را می‌بینیم. در آن نوع حالی به حالی شدن یخ در ظاهر همان یخ است، اگر چه در واقع امر تغییر کرده، اما در این لحظه در تبدیل یخ به آب، تغییر مشهود و برجسته‌ای است که چشم مشاهده می‌کند و می‌گوید از این پس یخ نیست و آب است. پس در این تفاوت شکی روا نیست، آن نقطه لحظه‌ایست که در آن واقعیت دیگر یخ نیست، با مرحله یخ بودن وداع کرده است، از گذشته بریده و آب شده است، این نقطه بحرانی، همان لحظه جدائی است، یوم الفصل است.

یک جامعه و ملت را هم که در نظر بگیریم، دارای تاریخی است، گذشته‌ای و حال و آینده‌ای دارد، از مراحل مختلف عبور کرده، در عین حال که یک واقعیت واحد است در هر مرحله هویت و وضعیت خاصی داشته است. روزی فقط قبیل‌های و زمانی یک شاهنشاهی، زمانی مستعمره و زمانی در حالت فتوادی یا سرمایهداری و در مرحله‌ای دارای نظام استبدادی و مرحله‌ای دیگر دارای نظام مشروطه‌بوالاخره روزی بصورت جمهوری درآمده است. می‌دانیم که حرکت و تغییر در همه حال و در طول این تاریخ دور و دراز وجود داشته حرکتی دائمی و مستمر، اما نمی‌توانیم تفاوت بین این مراحل را نادیده بگیریم. در هر مرحله این واقعیت واحد با آن هویت و ساختمان اجتماعی - سیاسی و فرهنگی شناخته میشد، تغییر همیشه بوده اما در نقطه تحول از استبداد به مشروطه - شاهنشاهی ساسانی به خلافت اسلامی تحول خاصی و با کیفیت تازه‌ای رخ داده است. هر جامعه هم یک واقعیت واحد تاریخی دارد، اما در هر مرحله با هویت و ساختمان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بقیه در صفحه ۸

نقطه بحرانی یا یوم الفصل

دیدیم که در زیر ظاهر خاموش و آرام هر پدیده و درون آن جوش و حرکتی در جریان است و حرکت تنها شامل تغییرات مکانیکی و جابجائی‌هایی در مکان نیست که با چشم عادی قابل رویت‌اند. حتی اگر بشود با افزودن بر قدرت دید انسان بوسایل مصنوعی حرکت آرام غنچه‌ای را در حال شکفته‌شدن مشاهده کرد، تغییرات درون آنرا نمی‌توان دید. هر پدیده، تاریخی دارد. از گذشته‌های آمده و بطرف آینده‌ای پیش میرود. گذشته و حال و آینده آنرا میتوان به رودی شبیه کرد که بلا انقطاع در سراسر تاریخ زندگیش امتداد یافته است و یک لحظه آرامش ندارد

دشوار

مقدمه ای بر:



مسئله تشکیلات و سازماندهی

از شماره قبل

انسان هر زمان در وجود یکی از پدیده های طبیعی یا بت‌های ساخته دست خود محصور و زندانی شده است و آنرا خدای خویش قرار داده و به پرستش آنها مشغول شده است، از خدایان طبیعی تا خدایان نجومی و از بت‌های سنگی و چوبی تا شاهان و فرغانه و تا علم و هنر، ماشین و بالاخره جامعه و حزب و سازمان. آری اگر حزب و سازمان هم که محصول اندیشه و عمل انسان و نشانه تلاش وی برای آزاد شدن است به معبود و معشوق و خدای مقدس او تبدیل شود، در اینصورت بجای

مقابله با آنها را یاد می‌گیرد. معلومات علمی وی توسعه پیدا می‌کند و ابزارسازی و فنون را تکامل می‌بخشد. پس حاصل و نتیجه نهائی مبارزه با موانع و دشواریهای طبیعی، رشد آگاهی و توسعه آزادی‌های بشر است. شاید نبود این نتیجه را دستاورد جهان مبارزه‌ای قلمداد کرد. اما اگر از دیدگاه توحیدی به امور جهان بنگریم، باید گفت چون هدف از خلقت انسان رشد و تکامل و خداگونه شدن اوست و نشانه اصلی این حرکت تکاملی کسب آگاهی و آزادی است، لذا خداوند بشر را در مسیر تجربیاتی قرار داده است که به رشد بیشتر اندیشه و معلومات و توسعه قلمرو

با تغییر خط مشی و اهداف مرحله‌ای، سازمان هم باید قابلیت تغییر داشته باشد و با این تحولات هماهنگ شود.

آزادی وی منجر می‌گردد. بهمین جهت میتوان گفت آن تجربه‌ای ارزش دارد که بشر را در کسب ارزشهای فوق کمک کند. اگر مبارزه با موانع طبیعی، اگر تجربه زندگی در بستر طبیعت به افزایش آگاهیها و عمیق شدن آزادیها کمک نکند، از لحاظ هدفهای اصلی زندگی انسان ارزش ندارد. مبارزه در دامن طبیعت فقط یکی از

تشکیلات در پرتو مکتب

هدف سازماندهی در پیش توحیدی منازع از هدف اصلی مبارزه اجتماعی است. هدف بعثت و انقلابات توحیدی از بین بردن موانعی است که حرکت انسان را بسوی خدا یعنی ضرورت تکاملی انسانها سد می‌کنند. درگیر شدن در مبارزه با شیطان و همه انواع مظاهر شیطانی، باعث تکامل نفس انسانی و روح خدا در فرد میشود. با قبول اصل خداوندی ضرورت انسان و حرکت تکاملی وی بسوی خدا، هدف مبارزه و سازماندهی در درجه اول آنستکه زمینه پرورش و تکامل انسان را فراهم آورد.

مبارزه با ظلم و بیعدالتی و با انواع دیگر مظاهر شرک و کفر همه ابتلائاتی است که بشر را درگیر شدن در آنها با طرف خداگونه شدن پیش خواهد رفت. مبارزه با استبداد و استثمار، مبارزه برای تحقق آرمانهای انسانی، همه فرصتهایی است برای انسان تا با درگیر شدن در آن، خصلتهای منفی و بازدارنده را از وجود خود پاک سازد و ارزشهای مثبت را رشد دهد. مبارزه اجتماعی انعکاسی است از مبارزه درونی، که بین نفس انسانی و هواهای شیطانی جریان دارد. سرنوشت انسان در جریان این مبارزه تعیین میشود. هدف نهایی آزاد کردن نفس از اسارت هواهای سرکش و ضدتکاملی و اجبارهای محیط است. میدانیم که سیر تکاملی انسان از جبر به آزادی است. بشر محکوم جبر محیط است، با معلوماتی که درباره محیط بدست می‌آورد، با اطلاع از قوانین آن، در "تدریج" بر حوادث و نیروهای طبیعی تسلط می‌گردد و با اینکار از اسارت و تبعیت گورانه و جبری از آنها آزاد می‌گردد. بشر این آزادی را در جریان مبارزه با موانع طبیعی بدست می‌آورد. مبارزه برای مهار کردن سیل، برای مقابله با طوفان، برای پیدا کردن غذا و تولید و ساختن بناگاه و مبارزه با بیماری‌ها اطلاعات بیشتری درباره این عوامل بدست می‌آورد و راه تسلط و

و تکامل آدمی باشد. تشکیلات نباید جلوی رشد آزاد شخصیت انسانی افراد و ارتقاء سطح آگاهی آنها را بگیرد. تشکیلات باید عکس میدانی باشد برای رشد استعدادها و خودآگاهی و آزادی. حرکت تکاملی نیاز به آزادی دارد. تشکیلاتی که افراد را در چارچوب ضوابط ثابت و جزئی اسیر می‌کند تشکیلاتی که حکومت رهبران و مرکزیت را بر افراد تحمیل می‌کند، انسان مکتبی نمی‌سازد. تشکیلات نباید جلوی تفکر آزاد افراد را بگیرد، نباید جلوی کسب استقلال و اجتهاد فکری را بگیرد. تشکیلات نباید از افراد، تابعان بلااراده و برده‌های ذهنی بسازد. تشکیلات مکتبی باید جهان آموزش و پرورش را با افراد بدهد که هر یک، به مرتبه یک است واحد تکامل یابند. اگر تشکیلات جوهر وجود انسانی که آگاهی و آزادی است از افراد بگیرد، به هدفهای مکتبی خنثی کرده است.

انضباط تشکیلاتی در یک سازمان مکتبی مانع از رشد خصلتهای منفی و بازدارنده گردد. برخلاف تصور برخی مردم، آزادی واقعی در رشد بی‌بندوبار

تأمین نمی‌شود، آزادی به مفهوم نفی هر قید و بند اخلاقی، قطعاً بیشتر از آنکه سبب رشد استعدادها و تکاملی انسان شود، به تقویت و رشد علفهای هرزه وجود آدمی منجر می‌گردد. امروز علم روانشناسی تربیتی این حقیقت را ثابت می‌کند که تسلط بر نفس و انضباط، شرط ضروری رشد استعدادها و تکامل شخصی است.

تشکیلات مکتبی انضباطی را بر پایه اصول اخلاقی مکتب بر افراد حاکم می‌کند تا هواهای نفسانی را کنترل و بر تقوی و قدرت تسلط بر نفس بیفزاید. اما فرق است بین انضباط اخلاقی که به مهار کردن شیطان نفس می‌انجامد و تربیت قالبی فکری و اخلاقی که افرادی مطیع و مقلد بار می‌آورد. تشکیلات مکتبی در عین حال که هدفش سازمان دادن توده‌ها برای مبارزه مشترک با دشمن است، اما در این کار چند هدف اصلی مکتبی را باید مد نظر داشته باشد.

۱) آموزش مکتبی، بنحوی که افراد نه تنها با اصول و مبانی ایدئولوژی آشنا شوند، بلکه بتوانند آنها را راهنمای عمل قرار داده، به کمک آن به حل مسائل و کنش و معضلات بپردازند. آگاهی مکتبی را با تکرار طوطی وار یکسخت الفاظ و عبارات و فرمول‌های پندآمیز تشکیلات مکتبی آستسکه انسانهای پیشتاز مکتبی تربیت کند، پیشتاز مکتبی با انسانهای با تقوی که در قرآن توصیف شده‌اند، کسانی هستند که مکتب را درک کرده قادر به تعلیم آن هستند. متفین در جهان سطحی از آگاهی روحی قرار دارند که قادرند از مکتب راهل و خط مشی استخراج نمایند. رسالت تشکیلات مکتبی، تربیت افرادی است که قدرت اجتهاد فکری و مکتبی داشته باشند. دارای شخصیتی مستقل و اندیشمندی آزاد باشند. اگر آدم از آگاهی عمیق و شخصیت فکری مستقل و قدرت اجتهاد و استنباط برخوردار بود، هرگز فریب شیطان نمی‌خورد و از وی تبعیت نمی‌کند.

اعضا، حزب و سازمان مکتبی نباید از مرکزیت و رهبری خود در زمینه مکتب کورگورانه اطاعت کنند. آنان باید با اصول مکتب جهان آشنا و از قدرت استنباط به اندازه‌ای بهره‌مند باشند که هر انحرافی را بموقع تشخیص دهند و در هر جا و هر موقعیتی بر مبنای مکتب تصمیم بگیرند. اطاعت از رهبری در اسلام آگاهانه و مشروط است. در حزب هم پیروی اعضا از رهبری باید آگاهانه و مشروط باشد، یعنی افراد

بدانند رهبری آنان را به کجا می‌برد، بر مبنای چه اصولی تصمیم می‌گیرند و باید با دلائل مکتبی هر خط مشی و موضع سیاسی آگاه باشند و باید تبعیت آنان مشروط به وفاداری رهبران به اصول مکتب باشد. تربیت تشکیلاتی باید بنحوی باشد که اعضا، در صورت بروز انحراف در رهبری آنرا شخصی داده در برابر آن نایستند و از انحراف آن جلوگیری کنند و در صورت مقاومت آنها را کنار برند. تبعیت اسلامی تبعیت آگاهانه و مشروط است. هرگز تبعیت مطلق نیست. تحقق این اصل مستلزم آموزش عمیق کادرها با اصول مکتب و تربیت فکری آنان تا مرحله اجتهاد میباید و نیز مستلزم خاکست جهان روابط و ضوابط تشکیلاتی است که اعضا و کادرها قدرت کنترل رهبری را داشته باشند. قدرت جلوگیری از انحراف را داشته باشند.

۲) آموزش سیاسی در یک تشکیلات مکتبی باید کادرها و اعضا را توانا به برقراری پیوند بین اصول مکتب و روشها و موضع گیریهای سیاسی نماید. سیاست در پیش توحیدی از یکسخت دانستن، هر نوع انفکاک بین روشهای سیاسی، تاکتیکی و اصول مکتب اگر تکرار شود، به بطور قطع به انحراف می‌انجامد. در تشکیلات مکتبی افراد می‌آموزند که قدرت فقط یک وسیله است که باید از طریق مبارزه‌های مکتبی بدست آید. اگر روشهای مبارزه و تاکتیکیهای سیاسی، مکتبی نباشند، کادرها و رهبری وقتی که قدرت را بدست می‌آورند، از نظر خصلتی صلاحیت اجرای اصول مکتب را نخواهند داشت. خصلتهای اعضا و کادرها در جریان عمل و مبارزه سیاسی شکل می‌گیرد، لذا اگر روشهای سیاسی، مکتبی نباشند، و ارتباط افراد با منبع هستی یعنی خدا، ناقص بماند، برقراری نموده، تربیت عرفانی و معنوی اعضا، نادیده گرفته شود، خصلتهای آنان هم مکتبی و توحیدی نمی‌شود.

اگر می‌بینیم بسیاری رهبران احزاب و سازمانها و نهضتها پس از بدست آوردن حکومت از انجام وعده‌های خود سر باز می‌زنند، برخلاف موازین فکری اعلام شده عمل می‌کنند. اگر بعد از گرفتن مسئولیت غالباً آرمانهای مکتبی را یک یک زیر پا می‌گذارند، دلیلی ندارد جز آنکه در جریان مبارزه برای رسیدن به پیروزی بجای خصلتهای مکتبی، صاحب ارزشها و صفاتی غیرتوحیدی شده‌اند، بهمین جهت جاذبه قدرت آنها شفته میسازد، رهبری طلبی و سائل به حفظ قدرت به انجام اقداماتی می‌دارد که با اصول مکتب تضاد دارد.

۳) هدف اصلی تشکیلات مکتبی تربیت انسانهای منفی (پیشتاز) است که بتوانند هدایت رهبری خلق را از لحاظ فکری و سیاسی در مبارزه برعهده گیرند. رشد همه جانبه استعدادها و خصلتهای انسانی به شرایط آزاد و هدایت مکتبی احتیاج دارد، در حقیقت تشکیلات باید "اولاد" هدایت و رهبرند مکتبی در اختیار فرد بگذارد، وی را در کسب آگاهیهای مکتبی و

شخصیت آن فرد که موجب روح بیماری لافندی در بقیه افراد هم میشود. تشکیلات مکتبی هرگز نباید جلوی آزاد اندیشی فرد را بگیرد. آزاداندیشی غیر از بی‌بندوباری فکری و اخلاقی است. آزاد اندیشی یعنی بازگذاشتن درجه فکر بروی هر واقعیت خارجی. ذهن عضو تشکیلات مکتبی باید بنحوی تربیت شود که در همه جا و تحت هر شرایطی واقعات را درک کند، هر چند این واقعات با تصورات و برداشتهای و اعتقادات قبلی وی سازگار باشد. بپیش باز به فرد اجازه می‌دهد در صورتی که برودن به حقایق تازه و آگاهی بر خط با انحراف فکری با سیاسی و عقلمی خود، فوراً به نصیحت آن بپردازد. آزاداندیشی آن نیست که هیچ ضابطه و معیار فکری را نمی‌پذیرد و به حقیقتی ایمان نمی‌آورد، بلکه کسی است که همیشه برای تکمیل معلومات به تصحیح خطاها، عیب کردن آگاهیها و حتی نبوه و اقرار به انحراف و اشتباه آمادگی دارد.

۴) در یک تشکیلات مکتبی چون هدف تربیت انسانهای منفی (پیشتاز) است، باید فرصت تصمیم گیری به همه اعضا داده شود. حکومت فردی یا استبدادی و بطول العانی تحت پوشش مرکزیت و رهبری، جلوی رشد افراد را می‌گیرد. در تشکیلاتی که اعضا در تصمیم گیری شرکت داده نمی‌شوند و با آنان، مشورتی صورت نمی‌گیرد همیشه باقی می‌ماند.

۵) رابطة یکطرفه از بالا بپایین، مختص نظامات فردی و دیکتاتوری است. اعضا باید بتوانند نظریات و عقاید خود را در کل هر مورد ابراز کرده، مطمئن باشند که در کل سرنوشت حرکت مؤثراند و مشارکت دارند. بدینتی است که نظریات و عقاید افراد در چارچوب اصول مکتب قابل قبول است، لکن بشیئتی ضوابط و روابطی که تبادل نظر آزاد در همه سطوح را امکان پذیر سازد، ضروری است.

۵) بطور کلی، تشکیلات وسیله‌ای است در خدمت هدف و متناسب با خط مشی وصول به هدف. با تغییر هدف و با تغییر خط مشی (استراتژی) نوع تشکیلات و سازماندهی هم تغییر می‌کند. در یک تشکیلات مکتبی که اصول مکتب حاکم بر هدف و خط مشی و شیوه‌های مبارزه است، بین هدف و راه و سازمان یک هم‌آهنگی اصلی وجود دارد. از میان سه عامل فوق، هدف نهایی و با اصولی که برای تحقق آنها مبارزه میشود، ثابت‌اند، ولی خط مشی با اهداف مرحله‌ای تغییر می‌کند. یک زمان هدف مرحله‌ای برآنگدن آگاهی و آموزش مکتب و کار مخفی است، یک زمان هدف مرحله‌ای مبارزه نظامی و جنگ مسلحانه با دشمن است و یک زمان مبارزه‌های دموکراتیک. با تغییر خط مشی و اهداف مرحله‌ای سازمان هم باید قابلیت تغییر داشته باشد و با این تحولات هماهنگ شود. اگر تشکیلاتی اعطاف پذیری خود را از دست بدهد، و در چارچوبهای خشک و

رسالت تشکیلات مکتبی آستسکه انسانهای پیشتاز مکتبی

تربیت کند.

در تشکیلات مکتبی افراد می‌آموزند که قدرت فقط یک

وسیله است که باید از طریق مبارزه‌ای مکتبی بدست آید.

جامدی بدون تغییر باقی ماند، عملاً کارآیی خود را از دست می‌دهد و بجای آنکه تسهیل کننده مبارزه و هموارکننده راه باشد، به مانعی در راه نزدیک شدن به هدف تبدیل میگردد.

یک سازمان مکتبی مانند هر بدیده دیگر دارای دو عنصر است: محتوا - قالب و شکل. محتوای یک سازمان همان اصول و اهداف اساسی است که تشکیلات بخاطر آن وجود آمده است، اما چنانکه اشاره کردیم در محتوا علاوه بر اصول مکتب و هدفهای مبارزه، خط مشی هم شرکت دارد - به همین جهت محتوای تشکیلات یک سلسله اصول مطلقاً دگم و ثابتی نیست که در نتیجه تنها بیک شکل و قالب سازمانی ثابت نیازمند باشد. این بدان دلیل است که ما برای یک سنت اصول ذهنی و جدا از واقعات محیط و شرایط عینی مبارزه بقیه در صفحه ۸

سیاسی کمک کند، ناسنا" شرایط آزاد برای پرورش شخصیت و استعدادها انسانی اش فراهم آورد. ثالثاً، ایجاد موقعیتهای عملی و میدانهای تجربه، به وی امکان دهد تا آموخته‌ها را در عمل پیاده کند، بر ضعفهای خود غلبه نماید و ارزشها و استعدادها معنوی را تقویت کند.

کفتم که یکی از ضروریات رشد فکری و اخلاقی انسان، تسلط بر نفس و قبول یک برنامه منضبط و محدودبسته‌ای حساب شده است، اما مسأله اصلی اینستکه اعضا باید ماهیت و هدف انضباط را بفهمند و درک کنند و آنها آگاهانه بپذیرند. تحصیل کورگورانه هروع انضباط تشکیلاتی بعکس مانع رشد افراد است، اما وقتی عضوی علت وجودی یک سلسله محدودبسته‌ها را درک کرد و بدرفت، باید موظف به رعایت آنها باشد. تخلف و تن دادن به بی‌بندوباری و لافندی نه تنها نشانه انحطاط

بعضی ها گمان میکنند که بواسطه مخالفت با آمریکا ما منزوی هستیم خیر آمریکا منزوی شد، میزان ملت ها هستند، شما سر نیزه را از روی ملتها بردارید و مردم را آزاد بگذارید پسیندکی منزوی است (امام خمینی)

این ملت تن به...

مقوله‌های اساسی مکتب

خاصی. درست است که انقطاع و فترتی در حرکت جوهری وجود ندارد، اما نقاط بحرانی و بوم‌الفصل‌هایی در تاریخ آن مشهود است که در آن لحظه جامعه، آن واقعیت واحد تاریخی از یک مرحله یا ساختمان و هویت خاص آن جدا و به مرحله تازه‌ای یا می‌نهد. مرحله و هویت نظام سلطنتی را پشت سر می‌گذارد و با آن وداع می‌کند. بوم‌الفصل این بوم‌الفصل در این مرحله از تاریخ است، روز حادثی دو مرحله از تاریخ، دو هویت و ساختمان و نظم اجتماعی متفاوت از زندگی یک واقعیت واحد (جامعه ایرانی) این نقطه را بحرانی و لحظه را لحظه حادثی می‌گوئیم، زیرا حرکتی که استمرار دارد در این موقع کیفیتی تازه پیدا می‌کند و بندهای اتصال پدیده را از هم می‌گساید. یخ برای تبدیل شدن به آب باید نظم درونی و انسجام و پیوستگی خاص خود را از دست بدهد، آن نظم و اتصال و انسجامی که سبب شده بود پدیده به عنوان یخ شناخته شود، باید از بین برود و نظم و اتصال و انسجام جدیدی بوجود آید که آنرا بعنوان آب به ما معرفی کند و یا هنگام تبدیل آب به بخار، مجدداً بندهای مفصل‌ها از هم جدا می‌شوند، گسیختگی پدید می‌آید و پدیده در انسجام و اتصال تازه‌ای ظهور می‌کند که به آن هویت و ساختمان جدیدی تحت عنوان بخار می‌بخشد. پس این نقطه، لحظه‌ای بحرانی است، لحظه‌ای از هم گسیختگی و بهم خوردن نظم گذشته و تشکیل نظم جدید. در این نقطه بحرانی انسجام و پیوستگی پدیده برحمله انتهایی خود می‌رسد و در برابر فشار برای از هم گسیخته شدن تاب مقاومت نمی‌آورد، لذا روابط پیشین یگانه در هم می‌ریزد و روابط جدید برقرار می‌گردد، این را یک تحول انقلابی می‌خوانیم که در این نقطه رخ می‌دهد و لحظه حادثی فرا می‌رسد.

هر پدیده در طول تاریخ حیات خود از این مقاطع یا میقات‌ها عبور می‌کند و بوم‌الفصل‌های متعددی دارد، در پایان هر اجلی معین، نقطه بحرانی یا لحظه انقلابی فرا می‌رسد و دو مرحله از حیات پدیده از هم جدا می‌گردد. بوم‌الفصل یا روز انقلاب و تحول کیفی عظیم نیز چون اجل مسمی از لحاظ زمان واقعی قابل تغییر نیست، یعنی جلو یا عقب نمی‌افتد و لولای کلمه‌الفصل لغتی بینیم وان‌الظالمین لیم عذاب الیم "سوری/۳۱- اگر مرحله فصل وجود نداشت، (زودتر از آن) بین آنان دوری میشد. برای ستمگران عذاب دردناکی تدارک شده است. در اینجا صحبت از روز انقلاب است، چه انقلابی که در این جهان توسط انبیا و یا پیروان حق انجام می‌گیرد و ستمگران به مجازات می‌رسند، و چه انقلابی که به ظهور رستاخیز و آغاز حیات آخرت منجر شده و باز هم ستمگران در عذاب می‌سوزند و مجازات می‌شوند. در هر دو شکل یک دگرگونی رخ می‌دهد. در این مرحله است که پدیده هر چه درون خود دارد بارز و آشکار می‌کند، در انقلاب است که ماهیت درونی همه افراد و قشرها و گروهها ظاهر و معلوم می‌شود، استعدادها همگی بروز می‌کنند و حقایق ظهور می‌نمایند. در انقلاب است که بندها و مفصل‌های ارتباطی جامعه و یا هر پدیده دیگر از هم جدا می‌شود و شیرازه امور از هم می‌پاشد و دگرگونی رخ می‌دهد تا سرانجام روابط و مفصل‌بندی جدیدی نظم تازه‌ای را برقرار کند و پدیده تازه‌ای یا برعکس بگذارد. این تحول کیفی معمولاً با خشونت و قهر و انفجار همراه است، البته کیفیت آن در هر پدیده و در هر مرحله از حیات یک پدیده فرق دارد و مخصوص به آن است.

ظلم و استثمار، بیعدالتی و فقر و تجاوز که تقوای ستیز است. و از مکتبی بودن منظور- مان قبول تضاد و مبارزه دائمی بین انسان و شیطان یا حق و باطل است. و اینکه یا شیطان نمی‌شود همزیستی داشت و استثمار و استبداد را نمی‌توان مکتبی دانست... ۳- اجازه بدهید از عامل یا نقطه ضعف سومی هم صحبت کنیم و آن بی‌اطلاعی است. بی‌اطلاعی از واقعیات، از عملکرد امپریالیسم، از کیفیت تجاوز، سلطه، استثمار، استعمار، بی‌اطلاعی از انواع چهره‌های شیطان و فریب‌ها و حیل‌های آن. وجود این ضعف در زمامداران نیز می‌تواند نقطه امیدی برای دشمن باشد تا در لباس حق سر آنان کلاه بگذارند و از دری خارج و از در دیگر وارد شوند.

بر اساس آنچه گفتیم، تشخیص اینکه چه نوع رابطی به سود و یا به ضرر است چه انزوائی درست و یا نادرست و چه مذاکره‌ای مفید یا زیانبار می‌باشد، دشوار نیست. با توجه به حقایق یادشده در بالا تشخیص سیاست‌هایی که به وابستگی و گشادگی ما بزیور سلطه منجر می‌شود، از سیاست‌هایی که ما را به استقلال می‌رساند آسان است. بر اساس حقایق فوق به آسانی می‌شود عملکردهای گذشته را ارزیابی کرد و امیدها و تهدیدهای آینده را تعیین نمود. تا وقتی زیربنا و ساخت اقتصادی و صنعتی و نظامی ما وابسته به قدرتهای استعماری است، منافع و مصالح انقلابی و مکتبی ما ایجاب می‌کند که: (۱) برای حل مشکلات اقتصادی خود به روشهای گذشته متوسل نشده، روابط دیرین را احیا نکنیم، بلکه با اتکا به امکانات داخلی و قدرت خلاق مردم و بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است. (۲) برای کسب پیروزی در جنگ با تجاوزگران از توسل به جنگ کوتاه‌مدت و کلاسیک که لازمش خرید سلاحهای

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

بسیج توده‌ها - اگرچه با ناراحتی و رنج - بسوی خودکفائی حرکت کنیم. برای این منظور اقداماتی در هر زمینه لازم است که بارها بطور مشخص از طرف ما و همه نیرو- های انقلابی اعلام شده است.

از جانب دولت مصر و نشانه‌هایی از این نوع باید به عنوان زنگ خطر تلقی شود. این تغییر رفتار باید به عنوان یک حمله تازه سیاسی و آغاز یک توطئه جدید بحساب آید. هوشیاری انقلابی ایجاب می‌کند که بر استحکام جبهه انقلاب بیفزاییم و نقاط ضعف آنرا از بین ببریم. یعنی با هر نوع تمایلات و گرایشهای سازش- کارانه و روحیه تسلیم‌طلبی، رفاه‌طلبی، سرمایه‌داری، رهبری طلبی و انحصارگرایی و شیفتگی به نام و نشان و مقام و عنوان و با افکار و بینشهای لیبرالی و ارتجاعی بطور قاطع مبارزه کنیم و مقاومت و ستیزه‌جویی و ایمان و فداکاری و تقوی و هیز و ستیز را از توده‌های مبارز و مسلمان فرا گیریم. فراموش نکنیم که اگر دشمن این توده‌های انقلابی و رهبر آنان امام خمینی را بزرگترین خصم خود می‌پندارد، تنها به این دلیل است که آشتی‌ناپذیر باقی مانده‌اند و زرهی آسین‌ناپذیر از ایمان و توکل و اخلاص دارند.

آری همان اندازه که گمراهان (غادین) مایه امید شیطان‌اند، مخلصان از آسیب و وسوسه‌های وی در امان می‌باشند. ما به ملت قهرمان و شهیدپرور خود ایمان داریم، به ملتی که درس مقاومت و شهادت از علی و حسین آموخته است، ملتی که ابودرور به تثلیث زر و زور و تزویر می‌تازد، ملتی که زنجیرهای استضعاف را حلقه‌حلقه پاره کرده فرو می‌ریزد و به دوران اسارت‌بار چندقرنی خود پایان می‌بخشد، ملتی که اینچنین قهرمانانه و شادمانه ایستاده و می‌رود و شدیدترین ضایعات و صدمات در اراده استوارش تزلزل نمی‌افتد و بعکس هر ضربی که چون پتک بر فولاد او را محکمتر و فشرده‌تر می‌سازد، شایسته هم‌وعده‌هایی است که خدا به مردم صالح داده است. این ملت رزمنده و هوشیار و باایمان سرانجام بر موانع و نقطه‌ضعفهای فوق فایق آمده و پرچم پیروزی را بر قله رفیع آزادی و استقلال و نظام قسط‌اسلامی فرو می‌کوبد.

- (۱) صدای آمریکا - ۷/۲۴
- (۲) کیهان سه‌شنبه ۷/۲۵
- (۳) صدای آمریکا ۷/۲۹

بقیه از صفحه ۷

مقدمه‌ای بر: مسئله تشکیلات و

اصول باشد، با سازمان میشود. وقتی مقتضیات و مصالح خشک و لاینفک سازمان بجای اهداف و مقتضیات راه ملاک قرار گرفت، از آن پس سازمان است که حکومت می‌کند، نه اصول. ادامه دارد

است در شکل و نوع حرکت و عمق و پهنای بستر و سرعت رفتن، از شرایط تبعیت کند، جز این نخواهد، تلاش وی بجائی نمی‌رسد و متلاشی و نابود می‌گردد. چیزی که هست رودخانه نباید جهت اصلی حرکت خود را تغییر دهد و یا فراموش کند. اگر صخره یا تپه‌ای را دور می‌زند یا در شیبی تند به چپ و راست می‌لغزد، باید پس از پشت سر گذاشتن مانع مجدداً در مسیر مستقیم بسوی دریا حرکت کند. سازمان بستر حرکت انسانهای مکتبی بسوی هدف نهایی است. بستر نباید در یک قالب و شکل ثابت و خشک متحجر شود. بستر برای رفتن است، نه ماندن. بستر پشت سر می‌ماند و محتوای حرکت اجتماعی که انسانها و مکتب است، باقی می‌ماند و به راه ادامه می‌دهد، به همین جهت هر جا شرایط ایجاب کرد و مقتضی بود، میشود آنرا تغییر داد، چه بسا سازمانهایی که این اصل را نادیده می‌گیرند و چارچوبهای سازمان را ثابت و مقدس می‌پندارند و محتوا یعنی اصول و هدف را فدا می‌نمایند، حاکمیت بجای آنکه با

شعارهای زیرصفحات را بپسندید و تکثیر و پخش کنید

با خلع ید از سرما، یستوانه اتمه...

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

دیدگاهها، انتخابات آمریکا، شکست کارتر

همراه با پایان یافتن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و شمارش اکثریت آراء بنام نماینده حزب جمهوریخواه - یعنی رونالد ریگان - وی برای مدت چهارسال رونده کلاه سفید واشنگتن خواهد شد. نتیجه انتخابات و پیروزی ریگان، با اظهار نظرها ضدونقیضی از جانب کشورهای مختلف روبرو شد. در ایران، در حالیکه این خبر در میان اکثریت مردم بایستی تقابلی مواجه گردید و تاثیر جدانی بر آنان نگذاشت، اما ناهم بودیم که از ماهها قبل از انتخابات - و بالطبع بعد از اعلام نتیجه - از جانب عدهای اینگونه عنوان کنند که انتخاب یکی از کاندیداهای حزب جمهوریخواه یا دمکرات، نقش تعیین کننده داخلی خواهد داشت، و این ساله، بطریق مختلف - از طریق روزنامهها، سخنرانیها و ... - اعلام میگردید، چنانکه در مجلس در بحثهای حول سرنوشت گروگانهای جاسوس عدهای از نمایندگان مجلس، ارجحیت پیروزی یک جناح بر جناح دیگر را مطرح میگردند و برای اثبات ادعای خود، بر فاشیست بودن نماینده جمهوریخواه تکیه کرده، در مقابل، نماینده دمکرات آمریکا به گذر آموخته با "صلح" در سیاست خارجی را یک امتیاز تلقی می نمودند. در حالیکه باید متوجه این نکته بود که خط سنی و استراتژی احزاب جمهوریخواه و دمکرات، حفظ سرمایه و افزایش آن از راههای "مناسب" است، منتهی یکی در ادامه جیالوگری خود به سرمایههای کارتلها و تراستهای نظامی و سرمایهداران زرادخانههای جنگی آنک؛ بیشتر دارد (حزب جمهوریخواه) و آن دیگری برای غارت و استثمار، به محط "امن" برای سرمایهگذاری و صدور سرمایه و صنایع ممتاز و ایجاد بازار محتاج است و سیاست "دمکرات" مناسنه و "حقوق بشر" دوستانه خود را نیز در گداز این هدف و از درجه و دیدگاه "سودبرسانه" خود مطرح می نماید. (حزب دمکرات). و این نکته قابل توجه است که یکی از مشاوران ریگان اشاره کرده بود که ریگان طرفدار حمایت از حقوق بشر است ولی انتظار می رود که او جهت استراتژی اعمال سیاست حقوق بشر را تغییر دهد!! (که این مطلب مفهوم "حقوق بشر" را از دیدگاه استکباری این مدافعین آزادی!! و دموکراسی! بیان می نماید) لذا در حقیقت سرمایهداران و گردانندگان کارتلها و تراستها و صنایع نظامی و شبکههای بولی و مالی اند که حکم می رانند و راه تعیین

انتخابات پیش از نقش حزب و تشکیلات در این کشور است، و در این نوع تبلیغات برای کاندیداها شیوههای گوناگونی از قبیل انتخاب لباس مناسب! آرایش موی سر، طریقه برخورد با رسانهها و تراکتها و پوستریهای چندسره در چند متر و ... استفاده می گردد. برای نمونه، ستاد تبلیغاتی کارتر در سال ۵۵ اعلام کرد که ۲۱/۸ میلیارد دلار خرج تبلیغات برای انتخابات ریاست جمهوری کرده است و در

علیرغم شعارهایی که در یکسال گذشته علیه امپریالیسم داده اند، عملاً در رستم کن کردن نفوذ و قطع وابستگیها، اقدامات عملی جنگجویی بعمل نیاورده اند و بهمنی جهت امروز بعد از ۲۲ ماه از پیروزی انقلاب و یکسال از اشغال جاسوسخانه، هنوز به کشور ما در ساخت و بنیانپای خود وابسته به آمریکا و دول امپریالیستی دیگر است.

نگار خواهد رفت و در حقیقت در رابطه با ایران، ریگان برنامه خود را از صفر شروع نخواهد کرد بلکه برنامه کارتر را با تغییراتی دنبال خواهد نمود. چنانکه خود کارتر در مورد ایران گفته است که طرحهایش با موفقیت بیشتری قرین بوده است و همچنین در جای دیگری ذکر کرده اهدافتش (اهداف کلی) مورد توجه ریگان قرار خواهد گرفت. و بدین ترتیب باید همچنان منتظر بود که برنامه امپریالیسم آمریکا (که فعلاً در رابطه با جنگ ایران و عراق و یکی شدن منافع امپریالیسم و عراق در جنگ با ایران مطرح شده است)، بطور کلی بر روال خط مشیهای سابق اجرا گردد، البته همانند گذشته و شاید با شدت ظاهری بیشتری، از ظاهر به قدرت نمایی و برکشیدن ناوگان و نیروهای مسلح و

هر دو جناح هیئت حاکمه آمریکا هر جا که منافع حیاتی آمریکا ایجاب کند از سرکوب خلقها و کشتار و ایجاد جنگ خودداری نکرده و نمی کنند.

ریگان و برنامه او

اکنون ریگان بعنوان یک چهره از امپریالیسم جهانی زمامدار آمریکا شده است ولی هنوز ناکنکهاشی را که در خارج استراتژی امپریالیستی آمریکا نگار خواهد برد، بطور کامل روشن ننموده است، اما ناحدودی میتوان ساستهای آینده او را از گفتههایش تشخیص داد. او گفته است که در سیاست خارجی با بقوت قوای نظامی حالت نه عقب نشینی، نه حمله و هجوم را چپانی را باندازد و مسخکتر حفظ خواهد نمود و در این رابطه از بیان اتلانیک حمایت می نماید. مسلماً امپریالیسم آمریکا این هدف را با توجه و با در نظر گرفتن ممالک تحت سلطه و هیئت حاکمههای وابسته آن ممالک، و همچنین پایگاههای نظامی مختلف خود را در سراسر جهان انجام خواهد داد. یعنی تولید سلاحهای مدرن و افزایش تولید دیگر جنگ افزارها، تنها برای پایگاههای نظامی داخلی صورت نمی گیرد و میزان قابل توجهی از آنها به ممالک وابسته صادر خواهد شد. این سیاست را در زمان نیکسون و همراه با بالا رفتن قیمت نفت و وارد شدن ارز و دلارهای نفتی به ایران در زمان شاه خائن شاهد بودیم (فروش آواکهای آمریکایی توسط کارتر به رژیم مزدور عربستان نیز میتوانست در خارج از برنامه انجام پذیرفته باشد) که سبب سلاحهای مختلف آمریکایی روانه ایران شد و ارتش شاه را تا بن دندان مسلح نمود، بطوریکه از آن بعنوان قویترین ارتش - از نظر سلاح - نام برده میشد. در حقیقت دموکراتها بویژه این اواخر در افزایش نیروی نظامی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند کامیابی سریعی برداشتنند، لذا این تاکنیک ریگان با استقبال دول و رژیمهای وابسته مواجه شده است و این موضوع در بیانیهای تیریک آنان بخوبی مشهود است. از سوی دیگر ریگان حمایت همه جانبه خود را از دولت اشغالگر در فلسطین اعلام نموده است، اما بنظر می رسد که مثلث کمب دیوید (کارتر - سادات - بکین) همچنان دنبال شود و ریگان بجای کارتر بنشیند. این یکی از خواستههای انور سادات مزدور و خائن به خلق عرب میباشد زیرا وی حضور آمریکا را برای صلح خاورمیانه ضروری میدانند و از طرف دیگر بکین نیز روی کار آمدن ریگان را دلیل قطع تلاش برای گفتگوهای آنچه که امپریالیسم و صهیونیسم نام خودمختاری فلسطین بر آن نهاده اند، نمی داند و این موضوع کبریها میتوانست دلیلی بر ادامه مذاکرات کمب دیوید باشد.

ریگان و ایران

مطمئناً یکی از مسائل مهمی که امپریالیسم در برنامه ریزیهای خود بدان توجه کامل دارد، مساله انقلاب ایران است. آنچه که برای امپریالیسم در این رابطه مطرح بوده و میباشد، به سازش کشاندن انقلاب و یا نابودی آن است که در این رابطه هر دو بعد سازش (در مرحله اول) و مداخله نظامی بعنوان شیوههای کار و

بقیة صفحه ۱۰

دکترین کارتر و پایگاههای خاورمیانه

کشور همسایه همچون حملهی عراق به عربستان سعودی نکرده. البته همین احتمال را مقامات رژیم کارتر برای توجیه فروش مقادیر عظیم اسلحه و مهمات به عربستان سعودی نگار می بردند. جالب توجه است که نویسندگان گزارش توصیه میکنند آمریکا روابط نزدیکتری با عراق داشته باشد.

رژیم کارتر هیچوقت امتناعی از خود در این زمینه نشان نداده است. در واقع در بهمن ۱۳۵۷ تقریباً برای چنین اقدامی قدم به پیش گذاشت که به داد یعنی به برسد. تاکنکهای اخیر بصورتی است که بقول هارولد براون وزیر دفاع آمریکا آمادگی برای دخالت در اولین علائم منبهم بحران نیز می یابستی وجود داشته باشد. چند سال قبل برزیل یکی درک استثنائی خود را از تاریخ امپریالیسم نشان داد وقتی گفت که در واقعهی فاشودا در سال ۱۸۹۸ پس از شکست فاحش انگلیس از فرانسه در نیل علیا فرانسه میبایستی عقب نشینی میکرد زیرا دارای مزایای کمی بود که دست اول را در این جریان داشته است. اکنون دیگر پیشدستی کردن یک فکر همگانی است. ژنرال پال کلی فرمانده عملیات سریع میگوید که "اول بودن بسیار مهم است. وقتی شما نیرویی وارد منطقه ای میکنید که حریف شما در آن قدم گذاشته از مزایای زیادی در بحران برخوردار هستید".

بعضی از طرفداران نیروی ضربتی سریع میگویند که در منطقهی اقیانوس هند خطر اصلی حملاتی از طرف شوروی نیست، بلکه بی ثباتی داخلی و کودتا و خرابکاری و از این قبیل حائز اهمیت بیشتری است. ولی این افراد فراموش کرده اند که در زمان بقدرت رسیدن سرهنگ قذافی در لیبی نیروهای آمریکا در پایگاه ویلوس کاری از دستشان ساخته نبود و با دهها هزار نفر آمریکایی در ایران نتوانستند در جریان انقلاب مردمی آن کشور عملی انجام دهند. براون وزیر دفاع آمریکا هنوز هم معتقد است که نیروی ضربتی سریع آمریکا همراه سلاحهای هسته ای و ناتو و نیروی دریائی آمریکا یکی از چهار ستون امنیت آمریکا است. از زمانیکه سرلشکر کلی ستاد خود را در پایگاه هوائی مک دیل در نامیای فلوریدا در اسفند گذشته باز کرده، تعداد افراد او از ۱۰۰ نفر به ۲۵۳ نفر رسیده است. تازه اشتباهی او برای قشون کشی از این هم بیشتر است. او در یک مصاحبهی ماه خرداد مدعی شد که اختیارات رئیس جمهوری زیادتر شود تا بتواند افراد ذخیره را از ۵۰۰۰۰ نفر تا ۱۰۰۰۰۰۰ نفر احضار کند. او معتقد است که در نیروی ضربتی سریع حداکثری وجود ندارد زیرا صحبت از چند صد هزار نفر میشود.

با همه این اوصاف نیروی ضربتی سریع نه آنچنان بزرگ است که بتواند در یک جنگ درگیر شود و نه سریع که یک کودتا ترتیب بدهد. این نیرو مشکلاتی دارد که ممکن است با تئوریا چند میلیون دلاری برطرف شود یا نتواند. ژنرال کلی می یابستی تمام قشون مورد نیاز خود را از ژنرالهای از خود بالاتر در خواست کند که در مواردی ممکن است ارجحیتهای دیگری

برای نیروهای خود داشته باشند. بعلاوه کلی زبردست ژنرال ولنی او را بر قرار دارد که فرمانده نیروی آمادگی است و نیازهای او از اولویت مخصوص برخوردار است. جز اینها هم آهنگی واحدهای دریائی و هوائی و زمینی که غالباً سیستم اسلحههای متفاوتی دارند کار بسیار مشکلی است. نوزده نیروهای که تاکنون بدست آمده، دو دستگاه کشتی هواپیما بر در اقیانوس هند، تیربندیهای بزرگ متفرقه، عملیات پایگاه غرب قاهره، اعزام ۵۲ تانکهای نم افکن از گرام - تاکنون مشکلات عمده ای از جهت نگهداری تجهیزات و روحیه افراد بار آورده و در نتیجه ژنرال کلی را بیشتر از یک فرمانده بصورت یک رهبر تشویقی نیروهایش در آورده است.

مشکلات دیگری ناشی از روابط با اعضا ناتو و افراد ذینفع از دکترین کارتر در منطقه هستند. از اعضا ناتو خواسته شده که برای خود ذخیرهی اسلحه و مهمات درست کنند، مقدماتی را فراهم کنند که افراد ذخیرهی خود را قوی احضار نمایند و هواپیماهای تجارتی را برای حمل نیرو و افراد نظامی آماده نمایند و همه این اقدامات برای زمانیکه آمریکا نیروهای خود را به خاورمیانه انتقال دهد، زاین تحت فشار قرار گرفته که قدرت نظامی خود را در شرق آسیا تقویت کند ولی جالب توجه است که رهبران اروپائی با دکترین کارتر مخالفت کرده و عملیات آنرا غیر موثر و تحریک کننده قلمداد کرده اند. شاید تجربه اکتبر ۱۹۷۳ (جنگ مصر و سوریه با اسرائیل) که فقط دیکتاتور برتقال اجازه استفاده از تاسیسات نظامی جزایر آزور را برای تجهیزات اسرائیل را داد، اکنون نیز تکرار شود. این احتمال مشکل پایگاههای آمریکا در خاورمیانه را حاسنتر خواهد کرد. اعتبار و کارائی این سیاست نظامی بقول رابرت گروم معاون وزرات دفاع آمریکا بستگی به دسترسی ما باین پایگاهها و تاسیسات آن خواهد داشت. در آذر ماه گذشته برزیل دستور داد که آمادگی کشورهای خاورمیانه برای پذیرائی از نیروهای آمریکا سنجیده شود. بلافاصله گروهی به رهبری معاون وزارت دفاع بنام رابرت موری از عربستان سعودی، عمان، سومالی، کنیا و مصر بازدید بعمل آورده و مذاکراتی را آغاز کردند و بدنبال آن گروههای مهندسی و برنامه ریزان نظامی و دیپلماتها جنبه های دیگر موضوع را تعقیب کردند. براسستی رابطهی نظامی آمریکا با این کشورها و راه وصول بآنها در منطقه امکانات و محدودیت های استفاده از این پایگاهها را تعیین خواهد نمود.

انتخابات اخیر نیز تنها یک شرکت کوچک اعلام نمود که یک میلیون دلار صرف تبلیغات برای ریگان نموده است. به این ترتیب تصمیم گیرنده های اصلی این بازی انتخابات مشخص می شوند.

همچنین نگاهی به موضعگیریهای کارتر و ریگان در مورد اسرائیل غاصب، باز هم مؤید "استراتژی" واحد آنان در مورد مساله فلسطین اشغالی میباشد. کارتر در سخنرانی خود در کنوانسیون حزب دمکرات اعلام کرد که هرگز به اسرائیل فشار اقتصادی وارد نخواهد آورد و همچنین افزود که از تکلهائی که ایالات متحده طی ۲۲ سال موجودیت اسرائیل در اختیار این کشور گذارده، و نیمی از این تکله در زمان حکومت خود وی صورت گرفته - بنسار خشنود است و بخود می بالد و هرگز از این تکله نخواهد کاست و از طرف دیگر رونالد ریگان نامزد حزب جمهوریخواه نیز عقیده دارد که اسرائیل پایگاه جهان آزد!! است که باید هرچه بیشتر به آن کمک و باری داد. و اخیراً "بام مناسخ بکین تروورست برای ریگان و تیریک وی و همچنین نسگر از کارتر طی بیانی دیگر، بخوبی این استراتژی بیکسار را (مخالفت با خلق محروم فلسطین و حقوق حقه آنان و حمایت از اسرائیل غاصب) نشان میدهد. در دیدگاه احزاب هیئت حاکمه آمریکا "سود" ارزش قرین است و همان سرمایه و پول هم رئیس جمهور را انتخاب می نماید و برخلاف پیش گمانی که برای تفاوتی بین این دو جریان اهمیت اساسی قائل اند، این دو حزب و نه تک کرباستند!! و دنبال کنندگان یک هدف. سخنرانیهای ریگان و انتقادات و حمله های او به کارتر، در مورد سیاست خارجی و عدم قاطعیت دولت کارتر در مورد کشورهای جهان سوم نباید این توهم را بدید آورد که حزب دمکرات آمریکا از سیاست جنگی و حمله نظامی گریزان بود، و تنها جناح جمهوریخواه است که از پیشینانی کارخانهها و کمیته های اسلحه سازی و صنایع نظامی برخوردار بوده، خواهان شدت عمل نظامی در مناطق زیر سلطه است، بلکه نگاهی به تاریخ کوتاه قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان دهنده آن است که هرگاه منافع سرمایه داری جهانی اقتضا نموده است، این جناحها در سرکوب خلقها بنوافق رسیده اند. (توافق دو جناح در کودنای شوم ۱۳۲۲) و دمکراتهای طرفدار حقوق بشر! نیز هرگاه منافع و پایگاههای خود را در خطر دیدند، از طرحهای خشنوت آمیز و نظامی حمایت کرده و کشتارهای مردم تحت ستم را لازم شمرده و تقدیر کرده اند. هنوز دیر زمانی از تأیید کارتر از کشتار ۱۷ شهریور تهران و سایر شهرهای ایران نگذشته است، زیرا سیاست سلطه گرانه امپریالیسم، نیاز به سرکوب دارد و هر دو جناح هیئت حاکمه آمریکا هر جا که منافع حیاتی آمریکا ایجاب کند از سرکوب خلقها و کشتار و ایجاد جنگ خودداری نکرده و نمی کنند. جدا از کسانی که برای پیروزی کارتر دعا می کردند، اشخاص و جریانهای دیگری هستند که در عین حال که تفاوتی بین دو حزب قائل نیستند، اما با مساله امپریالیسم برخوردی سطحی و شکلی دارند و بهمین جهت

می کنند و رئیس جمهور بر سر کار می آورند، همچنانکه در انتخابات اخیر آمریکا شاهد بودیم که ۸۷٪ صاحبان صنایع بزرگ و ۶۲٪ صاحبان صنایع کوچک و متوسط حمایت خود را از ریگان اعلام نموده بودند و پیش بینی خود آنان و اشخاصی چون کسینجر و حتی خود کارتر نیز بر اساس آمارهای متغیر حمایت آنها صورت گرفته بود و در حقیقت رای شرکت کنندگان در انتخابات در آمریکا - بر اساس دیکراسی غربی - از قبل پیش خرید شده است. وظیفه اصلی به پیروزی رساندن یک کاندیدا را بنگاههای تجارتنی و تبلیغاتی بزرگ و کوچک و شبکه های تلویزیونی وابسته به تراستها انجام می دهند بطوریکه بزم خود آمریکا نشان نقش یک شبکه تلویزیونی در

در دیدگاه احزاب هیئت حاکمه آمریکا

سود، ارزش آفرین است و همان سرمایه و پول هم رئیس جمهور را انتخاب می نماید و برخلاف پیش گمانی که برای تفاوتی بین دو جریان اهمیت قائل اند، این دو حزب سر و نه یک کرباستند.

برای مقابله گسترده و وسیع با جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق استعداد های فنی، نظامی، صنعتی و... را کشف و حمایت نمائیم.

دکترین کارتر و پایگاههای خاورمیانه

برخروج و خودخواهانه و بسیار خطرناک است. گرچه مخاطب این بلوف شوروی است ولی ممکن است خطر از هریک از کشورهای منطقه شلشور شود.

در حقیقت، دکترین در حمایت سرمایههای آمریکا در منطقه طرح شده است. یکی از نشانههای اهمیت منطقه برای آمریکا روابط نظامی آمریکا با رژیمهای محلی است. در نیمه اول دهه هفتاد فروش اسلحه آمریکا به منطقه ۳/۲ میلیارد دلار در سال بود که از کل فروش پانزده سال قبل از آن (۲/۳ میلیارد دلار) تجاوز میکرد. از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ فروش اسلحه به سه برابر به مبلغ ۸/۹ میلیارد دلار در سال رسید. سهم خرید اسلحه منطقه در کل فروش اسلحه آمریکا از ۱۹/۲ در صد در سالهای ۶۹ - ۱۹۵۵ به ۵۲ درصد در سال ۷۴ - ۱۹۷۵ و به ۶۹/۴ درصد در سال ۱۹۷۵ رسید. سهم خاورمیانه در کل کمکهای بلاعوض و اعنارات اعطائی آمریکا به ۸۹/۳ درصد رسید. حتی خرید نیروهای مسلح آمریکا در مورد اسلحه حیاتی چون تانک ام ۶۰ موکول است به ارجحیتهای اسرائیل و مصر.

در تقی کارتر در کنفرانس آمریکا طرحهای شوروی در منطقه خاورمیانه بازگو شده بود در حالیکه چندروز بعد از آن براون وزیر دفاع آمریکا درنطق دیگری تصریح کرده بود که خطر بحرانیهای اقتصادی پاندازه خطر نظامی و امنیتی از جانب شوروی حائز اهمیت است. در گزارش ۱۹۸۱ وزارت دفاع قید شده است که "توسعه نظام اقتصادی آمریکا بجائی رسیده است که انکا، ما به واردات و صادرات و عایدی سرمایه گذارهای ما در دنیا برای رفاه مادی ما حائز اهمیت حیاتی است. هرگونه اختلالی که در جریان کالاها و خدمات رخ دهد تاثير گزافی روی اقتصاد ما خواهد گذاشت و این حساسیت در هیچ موردی عیانتر از نفت نیست."

در حالیکه کارتر اعلام بسیج داوطلبانه می کرد، براون وزیر دفاع بودجه ۱۵۹ میلیارد دلاری خود را عرضه داشت که توجه و تمرکز آن به بسیج نیروی انسانی و تجهیزات به مناطق بحرانی خاورمیانه و خلیج فارس و دریای عمان بود.

در مقابل نسخه دخالت سریع کارتر و براون میلیتاریست هائی چون هنری جکسون در سنای آمریکا اعتراض کردند که "وقتی احتمال اجرای چنین دکترینی وجود ندارد بچه دلیل آنرا اعلام می کنید؟" در مقابل این اعتراض رژیم کارتر بلافاصله اعلام داشت که یک گروان ۱۸۰۰ نفره تفنگدار دریائی با یک نیروی ضربتی ذو حیاتی و یک کشتی ضربتی هلی کوبتر و پنج کشتی دیگر عازم دریای عمان بودند تا به دو ناو هواپیمابر (با ۱۵۰ هواپیما) بیبوندند. اعزام بمب افکنهای ب ۵۲ از گوام به اقیانوس هند نیز در پی آن اعلام شد.

پنتاگون که نیز در پی آن اعلام شد. جریحه دار شده بود، یک سند محرمانه را "تولوحا" انتشار داد که تحت عنوان "امکانات در خلیج فارس" در بهار گذشته تهیه شده بود. در این گزارش مفهوم استقرار سریع نیروها مطرح شده و مقایسهی بعمل آمده که آمریکا شوروی قادر به اعزام چه مقدار نیرو به منطقه هستند. در این گزارش تجاوز احتمالی نیروهای شوروی از طریق ایران برای توجیه عملیات عنوان شده، گرچه ادعان گردیده که در هر حال نیروی آمریکا از لحاظ نفوات و اسلحه ضعیفتر از نیروهای شوروی خواهند بود. لذا نیروی امریکا تنها بصورت یک قدرت کندکننده عمل خواهد کرد. و زمینه را برای توجیه استفاده از نیروی هسته ای توسط موشکهای کروز آماده خواهد ساخت که از کشتیهای امریکا در اقیانوس هند آتش خواهند شد.

در مورد شورشهای محلی گزارش محرمانه نظر میدهد که امریکا نمی بایستی دخالت کند زیرا نیروهای چون عربستان سعودی، انگلیس، فرانسه و اردن (و شاید پس از گذشت چند سالی نیروهای مصری) مناسبت خواهند بود. در این گزارش صحبتی از حملهی یک نیروی محلی به بقیه در صفحه ۹

متن زیر ترجمه گزارشی است از مجله تحقیقات و اطلاعات خاورمیانه که نشان - دهنده تلاش آمریکا برای حفظ منافع خود در جهان و همچنین اهمیت منطقه خاورمیانه برای آمریکا میباشد آنرا برای اطلاع و آگاهی از پایگاههای آمریکا و عملکرد دموکراتهای آمریکائی که بر خلاف تصور بعضی از ساده اندیشان زیاد هم به حقوق بشر توجهی ندارند، مفید دانستیم. لازم به یادآوری است که نباید تصور شود که این سیاست با انتخاب ریگان به ریاست جمهوری تغییر خواهد کرد، بلکه این ها در ماهیت امپریالیسم است و همچنان با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. در ادامه همین گزارش پایگاههای امپریالیسم آمریکا در اروپا و خاورمیانه را بررسی خواهیم کرد.

دکترین کارتر و پایگاههای خاورمیانه در روز پنج شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۹ تعداد ۱۲ دستگاه جنگنده بمب افکن فانتوم آمریکا که به رنگ سبز و قهوه ای استار شده بود پس از یک پرواز بلا انقطاع ۱۳ ساعته از پایگاه هوائی مودی در جورجیا آمریکا در پایگاه هوائی غرب قاهره فرود آمد. یک هفته پیش از آن تعداد ۵ هواپیمای یک و ۱۴۱ و ۲۸ دستگاه سی ۵ مقدار چهار میلیون پوند (معادل ۱۸۰۰ تن) تجهیزات و لوازم و بیش از ۵۰۰ نفر پرسنل هوائی را از پایگاه هوائی دلاوآدرابه پایگاه هوائی غرب قاهره آورده بودند. این عملیات اولین نمونه از آزمایش امکانات نیروی هوائی آمریکا در شرایط سخت زمینهای خشک بود. این اسکادران بلافاصله پس از ورود، یک مانور سه ماهه را که بدنام "پروادفانتوم نامیده شد شروع کردند تا همراه ۳۵ فانتوم نیروی هوائی مصر رابطه نزدیک (خواهری) بوجود بیاورند. ما موریت محرمانه این مانور تعیین امکانات نیروی هوائی آمریکا و پایگاه مصر برای دخالت احتمالی در وقایع آینده خاورمیانه است. سرهنگ ادوارد رادیکان فرمانده عملیات گفته است که خلبانان ما در این عملیات خواهند آموخت که چگونه در شرایط صحرائی خاورمیانه کار کنند. زیرا از لحاظ

خشکی هوا و ترمی شنهای روان هیچ نمونه ای از آن در آمریکا یافت نمیشود. وقتی ژنرال لیوالن از نیروی هوائی آمریکا در خرداد ماه این عملیات را اعلام داشت گفت که عملیات مصر ممکن است در آینده شامل هواپیماهای پیچیده اف ۱۵ و اف ۱۴ و حتی هواپیماهای بمبارانی ب ۵۲ نیز بشود.

در انتهای دیگر منطقه کشتیهای اجاره ای وزارت دفاع آمریکا بطرف جزیره ریوکورسیا در حرکت بودند، در حالیکه تا لیه از تانکهای ام ۶۰ و توپهای هویتزر ۵۵ میلیمتری و تراکتورهای ذو حیاتی و مقدار ۳۰ روز مهمات که حتی شامل آب آشامیدنی هم میشد پر بود. این کشتیها یک تیب ۱۲۰۰۰ نفری آبی - خشکی (ذو حیاتی) را تغذیه میکرد. همزمان، تیب هفتم ذو حیاتی در صحرای آمریکا آماده رزم بود و در فلوریدا ۲۴۰۰ چتر باز تیب هجدهم که مرکز شان در فورث فورث براگ قرار دارد در پایگاه الجبن تمرین فرود انجام دادند. این مانور چتر بازان بزرگترین مانور از جنگ جهانی دوم تا کنون از نوع خود بوده است. ژنرال رابرت هایزر فرمانده عملیات هوایرد نیروی زمینی (همان شخصی که سفراو در آخرین روزهای شاه در ایران شامل طرح یک کودتا نیز بود) بز میداد که عملیات پایگاه هوائی الجبن نشانه قدرت آمریکا برای فرود آمدن در هر نقطه دنیا بدون اطلاع قبلی است. علنی بودن این عملیات نشان میدهد که رژیم کارتر در یک سال انتخاباتی میخواهد به مردم آمریکا بگوید که در قبال عقب نشینی های اخیر آمریکا " کارهایی در دست انجام است ". دکترین کارتر میگوید " هرگونه اقدام یک نیروی خارجی برای کنترل منطقه خلیج فارس اقدامی علیه منافع حیاتی آمریکا بوده، و بهر وسیله لازم منجمله نیروی نظامی مقابله خواهد شد ". این یک بلوف

جنگ تحمیلی عراق توانست این صفتدینها را تا حدی در منطقه مشخص تر سازد و تداوم مردمی این جنگ باعث خواهد شد که چهره سرسپردگان امپریالیسم در نبرد با انقلاب ایران افشا گردد.

تلاش آمریکا برای نزدیکی و اتحاد هر چه بیشتر با دول غربی بخاطر : الف. اتخاذ یک سیاست واحد برای نجات و حفظ سرمایه داری جهانی و منافع شرکتیهای چند ملیتی و تلاش برای جلوگیری از قطع صدور نفت و جنگ انداختن دائمی بر منابع سرشار انرژی خاورمیانه . ب. هماهنگ کردن برنامه ها در جهت سرکوبی و منزوی ساختن جنبشهای انقلابی در منطقه که منافع استراتژیک آنها را به خطر میاندازد از قبیل محاصره اقتصادی ، حمله نظامی و ...

ج. استفاده از نفوذ شوروی در افغانستان ؛ د. ستاوردن های این حرکت شوروی برای آمریکا عبارتند از :

الف) منحرف و خنثی ساختن موج ضد امپریالیستی که بر اثر مداخله آمریکا در ایران صورت گرفته بود. ب) توجیه مداخلات بعدی خود در خلیج فارس ، خاورمیانه و ترکیه همانگونه که در کودتای اخیر شاهد بودیم. ج) تشدید جو ضد شوروی در منطقه و در سطح دول اسلامی و تلاش برای نزدیکی به آنها از طریق کنفرانسهای اسلامی آمریکا آمریکا مثل کنفرانس پاکستان به رهبری و کنترل سرسپردگان خودش . د) توجیه موضع دول مرتجع منطقه برای نزدیکی به آمریکا از ترس مداخلات شوروی - با توجه به زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ایجاد جو که جنبشها از جبران کرده و عظمت و قدرت یورش ددمشانه آمریکارا حفظ کند. س) توجیه به ضربات سنگینی که آمریکا در سراسر جهان متحمل شده بود ، تشدید

آمریکا و سیاست تشدید جنگ سرد

بقعه از صفحه ۱

۳- جلوگیری از سقوط عمال و مزدوران وابسته در منطقه: رشد اوچگیری حرکتی که در ایران آغاز شده برای تمامی دولتتهای مرتجع منطقه خطری بزرگ محسوب میشود چرا که خصوصیات مشترک مذهبی بین امت قهرمان ایران و خلقهای محروم منطقه خود بعنوان زمینه خطر بزرگی برای رژیمهای دست نشانده است و احیای اسلام انقلابی میتواند برای همیشه منافع امپریالیسم جهانی را برای همیشه در این سرزمینهای غنی و خطر بیاندازد. آمریکا در جهت جلوگیری از جنبش انقلابی در منطقه ، با قراردادن تنگن کبک دیوید در مصر بعنوان یک قدرت بزرگ عربی رسا زیر نفوذ سلطه میگردد تا خصوصا بعد از سقوط شاه بتواند بعنوان پایگاهی در منطقه از آن استفاده نماید. مصر در شرایط کنونی نقش محوری را برای اتحاد کلیه دولتتهای مرتجع منطقه بازی میکند.

اعلان مانور مشترک نظامی آمریکا ، سلطان نشین عمان ، سومالی و چند کشور دیگر عرب که هنوز اعلام نشده خود گواه این مطلب است ، و نکته جالب این است که اسرائیل در مانور اخیر شرکت نداشته و دلیل این استراتژی نیز روشن است ، اسرائیل بعنوان یک دژ محکم و زرادخانه آمریکا در منطقه عمل میکند ولی بعلت تنفر بیش از حد خلقهای مسلمان منطقه از سیاستهای صهیونیسم جهانی ، دولتتهای مرتجع از ترس بیداری و حرکت مردم مستقما نمی توانند با اسرائیل همکاری کنند و لذا با یک واسطه (مصر) به سلسله زنجیر نوگرهای آمریکا وصل میشوند و میبینیم که مصر نقش مهمی را برای اعمال سیاستهای آمریکا و ایجاد اتحاد بین دول

سیاست تهاجمی جنگ سرد را آغاز کرد است که نموده های آن عبارتند از : ۱- بنیاده کردن نیروهای نظامی در طیس ، ظاهرا برای رهائی گروگانهای جاسوس و در حقیقت برای احیای مجدد منافع آمریکا در خاک ایران با شکست انقلاب اسلامی . ۲- مانور نظامی آمریکا در دریای کارائیب و در نزدیکی سواحل کوبا ، برای نشان دادن قدرت نظامی و آمادگی رزمی آمریکا به کوبا و خلقهای محروم و مستبدیده آمریکا لاتین ۳- مانور دریائی آمریکا در دریای مدیترانه برای بستن گریز برای بیشتر اسرائیل و سادات و تهدید دولتتهای مرتعی منطقه نظیر سوریه و لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین . ۴- مانور نیروهای زیر پوشش پیمان اتلانتیک شمالی در انگلستان برای نشان دادن برتری قدرت خود و متحدان اروپائیش در برابر تهدیدات شوروی . در برابر این سوال که چرا آمریکا سیاست تشدید جنگ سرد را در پیش گرفته است ، محورهای زیر را می توانیم مطرح سازیم : ۱- جلوگیری از رشد و اوچگیری جنبشهای آزادیبخش در سراسر جهان و خصوصا در منطقه خاورمیانه که پایگاه مهم اقتصادی آمریکا و متحدان اروپائیش می باشد ، برای غارت هر چه بیشتر منابع نفتی و حفظ جریان آن بسوی شرکتیهای آمریکائی و چند ملیتی و از آنجا که منافع فوق نقشی استراتژیک برای امپریالیسم جهانی دارد ، آمریکا قادر به تحول کوچکترین حرکتی که این آرامش برای جیاول هرچه بیشتر را به خطر بیاندازد نیست و لذا تمامی تلائی را برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی در منطقه و به شکست کشاندن آن بکار میرد و از طرف دیگر به نقشه های شیطانیش برای



جنگ سرد در حقیقت تسکینی برای تراستهای و کارتلتهای بزرگ آمریکائی بود تا در پناه آن بتوانند دوباره رعب و وحشت را در دل خلقهای فرو نشانند و به چپاولشان ادامه دهند، بینک کارتر نیز که جز مهرهای در اختیار سیاستهای سرمایه داران بزرگ آمریکا نیست از این جو جهت استفاده بیشتر تبلیغاتی بهره می برد. در پایان با توجه به انتخاب ریگان به ریاست جمهوری آمریکا این نکته را متذکر می شویم که استراتژی آمریکا را نه اراه مردم آمریکا بلکه سیاستهای تراستهای و کارتلتهای بزرگ معین میکنند که با تبلیغات ویژه نظام سرمایه داری مهره وابسته خود را بکار می گمارند تا بدین طریق سیاستهای معین شده را اعمال کنند سرنوشت مستضعفین و محرومان جهان را تنها اراده و خواست خودشان معین میسازد و نه سیاستهای آمریکا و رؤ سای جمهور " ان الله لاینیر ما بقوم حتی یغفروا ما بانفسهم " و با توجه به همین اصل است که امت زرمنده و قهرمان ما علیرغم تمامی توطئه های آمریکا و عده های سازشکاران و خوشحالیهای ساده اندیشان و قشویون تا نابودی کامل پایگاههای امپریالیسم در داخل و نابودی سلطه اش در سراسر جهان با اتحاد و همکاری خلقهای تحت ستم جهان و استقرار نظام توحیدی به مبارزاتش ادامه خواهد داد.

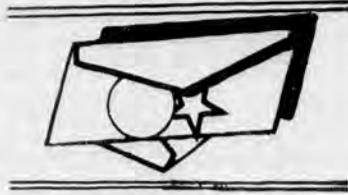
دست نشانده منطقه ایفا میکند. مانورهای آمریکا در خلیج ، اعزام نیروهای ویژه برای حفاظت منافع آمریکا در منطقه ، در اختیار گرفتن پایگاههای نظامی در مصر ، عمان ، سومالی ، و تماما در جهت حمایت هر چه بیشتر از قدرتتهای وابسته منطقه و اعمال قدرت و امکان مانور حمایت هر چه بیشتر از قدرتتهای وابسته منطقه و اعمال قدرت و امکان مانور وسیع در برابر مسائل مهمی از قبیل : لبنان ، دخالت شوروی در افغانستان ، جنگ ایران و عراق و می باشد. ۴- خطر اتحاد نیروهای مرتعی در منطقه؛ اتحاد لیبی و سوریه و حمایت آنها از انقلاب اسلامی ایران همچنین بیوند نزدیک جنبش آزادیبخش فلسطین و الجزایر با انقلاب ایران بعنوان رزق خطری برای امپریالیسم جهانی که در صدد ایجاد پایگاههای هر چه بیشتر در منطقه و اتحاد دول دست نشانده است می باشد. تشدید این صفتدینها در منطقه باعث می شود که دول مرتجع و ضد خلقی نظیر عربستان ، اردن ، و رژیم استبدادی و ضد مردمی بعث عراق بتوانند در زیر پوشش ظاهری حمایت از خلق فلسطین و آرمان اعراب به حمایت نوکرماشان از آمریکا ادامه دهند. و چهره وابسته شان برای محرومین تحت سلطه شان روشنتر شود و زمینه های یک انقلاب همه جانبه در منطقه فراهم گردد.

سرکوبی جنبش آزادیبخش فلسطین به کمک اسرائیل و سادات خائن ادامه میدهد تا بتواند از اتحاد نیروهای انقلابی در منطقه جلوگیری کند. ۲- احیای جنبش آمریکا در جهان و خصوصا در منطقه خاورمیانه؛ اشغال لانه جاسوسی به شکست ناپذیری آمریکا در جهان خدشه بزرگی وارد ساخت و بر سنیز کاؤدب و بوشالیش را فرو ریخت و به خلقهای جهان خصوصا منطقه نشان داد که این ببر کاغذی در برابر ملتها با همه ابزار و قدرتشان قادر به هیچ کاری نیست و ستم ترین بنیاد خانه عنکبوتی امپریالیسم است و به قول امام خمینی خطاب به دانشجویان مسلمان پیر و خط امام : " شکسته شد آن بت بزرگی که برای ملتها تراشیده بودند عمده این است که خوف ابرقدرتهدار دل ملتها شکسته شود ". آنچه برای قدرتتهای استکباری جهان نقش استراتژیک دارد ، ایجاد رعب و ترس برای جلوگیری از قیام گسترده ملتتهاست و بدیهی است که با هر عامل که این بت دهنی را بشکند و ندای آزادیخواهی سردهدمبارزه میکند تلاش گسترده آمریکا برای رهائی گروگانها و توطئه های گوناگون برای شکست و به سازش کشاندن انقلاب حتی به قیمت از دست دادن منافع مقطعی در منطقه و تحمیل خسارات با توجه به همین آینده نگری است .

ما مداخله اسلام هستیم و مداخله اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع میکنند و هرگز نخواهند نشست . ما چه پیر و زبشویم - در عالم ماده - وجه شکست بخوریم ، غلبه با ما است .
(امام خمینی)



ساری: برادر م - ح ، کارگر بیمارستان



برای ما ارسال دارید.

(۲) با توجه به تعارض بین گروهها و احزاب مختلف کاملاً واضح است که اگر بحثها و مبارزات سیاسی بداخل کلاسهای درس کشانده شود، کمترین فرصتی برای درس خواندن باقی نمی ماند. لذا ما هم موافق نیستیم که کلاسها صحنه فعالیت و بحثهای سیاسی گروهها و احزاب شود. اما دانش آموزان باید بتوانند با هم تبادل فکری و سیاسی کرده، درباره مسائل مختلف سیاسی و مکتبی بحث و گفتگو کنند، ولی این بحثها و گفتگوها نباید محیط مدرسه را به صحنه جنگ و آشوب تبدیل سازد و مانع از انجام وظایف تحصیلی گردد.

(۳) زیربنای فکری اسلام بیشتن یا جهان بینی توحیدی است. و توحید اساس همه امور فکری و مادی و اجتماعی و اقتصادی میباشد.

اقتصاد در جامعه و تحولات آن نقشی دارد که برای آگاهی از آن به بحثهای تاریخ در کتابهای جنس و مقالات است (سنتها در تاریخ) رجوع کنید.

(۴) در یک جمله از دیدگاه قرآن زندگی میدان کامل انسان و صبوری و بسوی الله است. و هدف از آن نزدیک شدن به الله، یعنی بیمودن راه طولانی تکامل و خداگونه شدن است.

تهران: شهره - ح

اولاً توضیح دهید تعریفی که از جنس درباره استضعاف و مستضعف نقل کرده اید در کدامیک از منابع بوده است زیرا در تعاریفی که ما از این اصطلاح و مصداق آن ارائه داده ایم، آنچه شما نقل کرده اید، فقط شامل یک دسته از مستضعفین میشود و نه همه آنان. در قرآن بطور کلی یا دو دسته افراد تحت نام مستضعفان سرکار داریم، یکدسته همانها که شما هم اشاره کرده اید، مستضعفانی که در اثر آگاهی و ایمان، علیه نظام استکباری مبارزه می کنند و با کسب تقوی و انجام عمل صالح صلاحیت رهبری و وراثت را هم بدست می آورند. اما دسته دومی هم هستند که همانند دسته اول دچار استضعاف شده اند، لکن بدلیل عدم آگاهی و ایمان نداشتن به فرهنگ توحیدی هم چنان در تبعیت از مستکبرین و دنباله روی از ایشان باقی میمانند. ایندسته از لحاظ فکری هم مستضعفاند، در حالیکه دسته اول اگر در اسارت اقتصادی و اجتماعی بسر میبرند لکن از لحاظ فکری از سلطه فرهنگ استکباری آزاد میباشند.

در قرآن درباره دسته دوم از مستضعفان که در تبعیت فکری از مستکبران باقی ماندند و بهمین دلیل به عذاب دچار گردیدند در سوره سبا چنین می خوانیم "وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَهُمْ قَدْ أَفْرَقْنَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَكُفْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (و آنانی که کفر کردند ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم).

تهران: شهره - ح

درباره استضعاف و مستضعف نقل کرده اید در کدامیک از منابع بوده است زیرا در تعاریفی که ما از این اصطلاح و مصداق آن ارائه داده ایم، آنچه شما نقل کرده اید، فقط شامل یک دسته از مستضعفین میشود و نه همه آنان. در قرآن بطور کلی یا دو دسته افراد تحت نام مستضعفان سرکار داریم، یکدسته همانها که شما هم اشاره کرده اید، مستضعفانی که در اثر آگاهی و ایمان، علیه نظام استکباری مبارزه می کنند و با کسب تقوی و انجام عمل صالح صلاحیت رهبری و وراثت را هم بدست می آورند. اما دسته دومی هم هستند که همانند دسته اول دچار استضعاف شده اند، لکن بدلیل عدم آگاهی و ایمان نداشتن به فرهنگ توحیدی هم چنان در تبعیت از مستکبرین و دنباله روی از ایشان باقی میمانند. ایندسته از لحاظ فکری هم مستضعفاند، در حالیکه دسته اول اگر در اسارت اقتصادی و اجتماعی بسر میبرند لکن از لحاظ فکری از سلطه فرهنگ استکباری آزاد میباشند.

در قرآن درباره دسته دوم از مستضعفان که در تبعیت فکری از مستکبران باقی ماندند و بهمین دلیل به عذاب دچار گردیدند در سوره سبا چنین می خوانیم "وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَهُمْ قَدْ أَفْرَقْنَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَكُفْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (و آنانی که کفر کردند ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم و ما را از ایمان آنها جدا کردیم).

تهران: شهره - ح

با این مطلب را در جواب کسانی داده ایم که میخواستند با اشاره به نظم حاکم بر هر پدیده، وجود ناظم یا خدا را اثبات کنند، لذا ایراد گرفتیم که جواب خواهند داد، نظم هر پدیده مربوط به ساختمان درونی آنست و ارتباطی به عامل خارجی ندارد، لذا این شیوه اثبات وجود با خدا را رد کردیم و روش اصالت وجود را تأیید کردیم. مجدداً به بحث مقلولها رجوع کنید.

(۲) درباره این اصطلاحات در آینده نزدیک در امت بحث خواهیم کرد.

(۳) اشکالات فنی چاپخانه، مشکل قطع برق و نیز وسایل حمل و نقل، انبوس یا قطار، غالباً سبب تاخیر در ارسال امت به شهرستانها میشود.

(۴) در دنباله بحث فکلی مقلولها که جهان بینی است، میحث حرکت و سپس تضاد خواهد آمد.

(۵) کل سرخ توحید بطور کلی درباره چگونگی ظهور اسلام و بعثت پیامبر و مراحل رشد و پیروزی نهضت اسلام است.

(۶) در این باره به جزوه - کنگره اسلامی پاکستان - رجوع کنید.

تهران: شهره - ح

دهیم و چون عذاب را دیدند، دچار پشیمانی شدند و باز تحریها برگردن کافران افکندیم. آیا جز آنچه کردن پادش داده شدند؟

اسدوارم مطلب برایمان روس شده باشد.

اصغیان: محمدرضا - س

برای مطالعه پیرامون اقتصاد اسلامی و خصوصیات اقتصادی جامعه توحیدی می توانستید به کتاب "کار، مالکیت و سرمایه" و دفتر چهارم کل سرخ توحید که اخیراً منتشر شده است، و همچنین مقاله گذری بر جوانب اقتصادی جامعه توحیدی که در امت به چاپ رسیده است مراجعه نمایید.

کلان: کوچه: ب - ک

برای آشنائی به اصولی که در یک تحلیل سیاسی و در برخورد با مسائل جامعه باید در نظر گرفت، میتوانستید به کتب "سیاست و مکتب"، "تحلیل سیاسی از دیدگاه مکتب" که در امت نیز چاپ رسیده اند و همچنین به مقاله "روش توحیدی دریافت واقعت" (امت شماره ۴۸) مراجعه کنید.

به بقیه سوالهای شما در مقالات امت و یا در قسمت مردم و ما جواب داده شده است.

تهران: سیدسعید - م

بعد از سلام

در باره آیه معروف سوره قصص، نظر غالب مفسرین اینست که آیه مذکور یک اصل تاریخی را اعلام می کند و منحصر بیک مورد خاص (بنی اسرائیل) نیست.

اما در مقایسه با آیه ۵۵ سوره نور - تضادی بین اسدو وجود ندارد - بر طبق این اصل تاریخی و سنت الهی، هر مستضعفی شایستگی و صلاحیت پیشوائی و وراثت کسب نمی کند، بلکه مستضعفان بشرطی که با ایمان آوردن و انجام عمل صالح به جرگه متقین و صالحین وارد شوند صلاحیت پیشوائی و وراثت زمین را بدست می آورند والا مستضعفانی هم هستند که بر طبق آیات - قرآن بدلیل تبعیت از سران کفر، به عذاب دچار می شوند و وارد آتش می گردند.

صومعه سرا: م - د

(۱) همانگونه که خود تو نیز متذکر گردیده ای، رفتن اشخاص به حج - در حال حاضر - با انگیزه های متفاوت صورت می گیرد و در این میان، عده ای نیز این مراسم باشکوه - عبادی - سیاسی را که نشانه دهنده جامعه ای برادر و برابر و یکسو و در مسیر الله است، تنها در شکل و بدون محتوی، یا بصورت یک سفر تجارتنی و تفریحی ... خلاصه کرده و با چنین انگیزه های به مکه می روند و مسلماً بین ایندسته و آنانی که خالص و مخلص و در پوشش یک کفن و با بریدن از تمامی وابستگی ها و بندها، تنها با یاد خدا بسوی او حرکت آغاز می کنند، اختلاف از زمین تا آسمان است.

(۲) ما نظر خود را در مورد پاکسازی در ادارات و موسسات در شماره های متعددی از امت بیان کرده ایم، می توانستید به آنها مراجعه کنید.

(۳) ما نیز از ابتدای پیروزی انقلاب، معتقد به این بودیم که سرمایه های بزرگ و وابسته که با مکیدن خون مردم روی هم انباشته شده اند، باید مصادره شده و کام های موثر و جدی و عملی در این راه برداشته شود و تنها به دادن شعار حاکمیت مستضعفین اکتفا نکرد و از هر حرکت اصولی در این جهت که از طرف مجلس آغاز شود، پشتیبانی می نمائیم. البته افرادی در مجلس هستند که حتی با طرح اصلاحات ارضی هم شروع به مخالفت کرده بودند و سعی داشتند که از اجرای این طرح که کام موثری در جهت انقلاب است، جلوگیری بعمل آورند و مسلماً ما از افشای یک چنین جریاناتی تغلل و سستی بخرج نمی دهیم.

(۴) نه! مصاحبه هفته نامه امت یا عده ای از خواهران و برادران، دلیل بر عضویت آنان در جنبش مسلمانان مبارز نمی باشد.

بابل: علی - ا

رودسر: میروبا - ع

(۱) عشیره همانطور که در کتاب مزبور آمده است، مربوط به محصولات زراعی است و از سالی به زمین مسکونی ندارد.

(۲) شخصی که برای خرید مایحتاج شما دو روز وقت صرف کرده است، "خدمتی" انجام داده است و بابت این خدمت باید هزینه زندگی وی را برای مدتی که برای شما وقت صرف کرده تأمین کنید.

(۳) در مسایل اقتصادی از جانب جنبش علاوه بر آتاب کار و مالکیت و سرمایه کتاب اصول پایه جامعه توحیدی هم اخیراً منتشر شده است.

(۴) درباره تضاد در محیط مقلولها، توضیح داده خواهد شد.

کشورهای مانند اردن، عربستان سعودی، مصر و ... دارای هیئت حاکمه - های ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم می باشند، و مسلماً مبارزه با امپریالیسم مبارزه با این دول ارتجاعی را نیز در بر دارد و بدین لحاظ ارتجاعی بودن این دول کاملاً مورد تأیید است. آنچه که ما در سرفاله مورد نظر شما مطرح کردیم، مربوط به کشور خودمان بود که دو جریان ارتجاعی و لیبرالی (با مفهوم و مصوبی که بیشتر بدفعات تعریف کرده ایم) و تحت اصلی و فرعی کردن آنها، مورد نظر بود و در این رابطه لبرالیسم را بعنوان پایگاه اصلی امپریالیسم بشمار آورده بودیم.

گزارشی از اولین روز تجربه معلمی

بفرمائین سر کلاس الان آقای رئیس مادم و کارتون رسیدگی میکنم ولی بعد از مدتی صحبت بالاخره منتظر آمدن رئیس شدم و بعد از آمدن از معلوم شد که معلمهای دیگر رفتنند و در نتیجه یک برنامه موقت به دستم دادند که موجب اعتراض من شد چون علیرغم ابلاغ تدریس تعلیمات دینی هم در برنامه ام گنجانده بود و در جواب این سوال که آخه سر کلاس دینی چه بکنم، فرمودند "از نماز و روزه و شکایات، خلاصه هرچی یاد افتاد بگو."

وقتی سر کلاس رفتم به هیچ وجه برایم روشن نشد که آموزشهای تابستانی آموزش و پرورش به رابطهای با چگونه رفتار کردن در کلاس داشت و در بعضی موارد آیا جز تئوری که آنهم بیاد کرده ام کار حضرت قیل است، چیز دیگری بود؟ بعنوان نمونه وقتی که دوتا از بچه ها با هم حرفشان میشد با شلوغ میکنند و تا وقتی هم که ثابت نکنند تقصیر با دیگری بوده، حاضر به سکوت نیستند، حال برای جلوگیری از اطلاق وقت چکار باید کرد (داد زدن، کتک زدن، نمره آنچنانی دادن، جریمه کردن، بیرون کردن...) یا آنوقتیکه کسی را برای درس جواب دادن صدا میزنم از روی نیکبختی می گذرد و به کنار تخته میاید به او چه بگویم، یا چه رفتاری با کسانی که در آموزم هستند داشته باشم که البته این امر به خاطر مسائل خانوادگی یا بازگویی نیست، یا با شاگردی که صبحها سرکار می رود و اغلب اوقات مدتی بعد از شروع کلاس با لباس و دستهای روغنی و با تنی کوفته از خستگی کار و حتی بدون پیدا کردن فرصت برای خوردن غذا سر کلاس می آید و شیها هم بعلمت خستگی و نبودن برق نمی تواند درس بخواند - حال آنهایی که خانواده اش در دچار مشکلات مالی و غیره است، جای خود دارند - یا با شاگردی که وقتی می پرسم چرا مسائل را حل نکردی میگوید دفتر پیدا نکردم، بخرم ولی همان موقع صدای چندتا از بچه ها بلند میشود که آقا، یا بابا لوازم التحریر فروزه؟

از دیگر مشکلات مساله دوسره بودن مدرسه است که در نتیجه ساعات درسی فشرده تر است و فرصت کافی برای خوب شرح دادن درسها و همچنین رسیدگی به مشکلات بچه ها و کلا" مساله تربیت وجود ندارد و فقط باید بصورت مکانیکی و خیلی سریع فقط درسها را گفت چون زنگ آخر هم به علت تاریکی هوا کلاسها نیم ساعت زودتر تعطیل میشوند، نداشتن بعضی از کتاب - های درسی از دیگر مشکلات معلمان و دانش آموزان است و چند بار عوض شدن برنامه های درسی تا اواسط آبان ماه هم که دیگر جزء سنتها شده است. و شاید بتوان گفت تنها حسن کلاسهای مدرسه این است که تعداد افراد کلاس بالاتر از چهل نفر نیست چون از دیگر مشکلات که باید به ترتیبی مسئولین به آن رسیدگی کنند نبودن لایب است که در نتیجه خصوص در روزهای ابری مجبور میشوند کلاسها را زودتر تعطیل کنند و همچنین وسایل آزمایشگاهی و کارگاه و وسایل و امکانات ورزشی و کلاس مطالعات و مسائل مربوط به معلمان و کارمندان ... که در آینده بدانها اشاره خواهد شد. تا بهتر با دردها آشنا شویم و ایمان بیاوریم به این سخن نغز که "با از دور دستی براتش داشتن حال سوختگان را نمی توان فهمید"

جنگ و محاصره اقتصادی علیه انقلاب را با تقسیم زمین بین کشاورزان و نظارت و محافظت از کشت بنفع انقلاب اسلامی تبدیل نمائیم

دیداری از بهشت زهرا در مراسم هفت مبارز

شهید قدرت الله رحیمی

همه‌های فضای بهشت زهرا را بر ساخته بود. از هر طرف صدائی بلند بود که شهیدی را میخواند و در هر گوشه باز - ماندگان شهیدی به دیدار آمده در کنار شهید حلقه زده بودند. هر کجایم نگریستی مشتاقا بلند و آسمانکوب، دهانها برآز فریاد، و چشمان مردم ملتهب و خشم‌آلود و در عین حال خوشحال و امیدوار. مردم آنچه را که در شهادت حسین انجام میدادند، اکنون برای فرزندان شهیدشان



انجام میدهند، زنجیرزان و سینه‌کوبان بر مزار شهیدا آمده بودند و با این عمل پیوستگی زنجیره شهدا را در طول تاریخ بیان می‌کردند.

الله اکبر

براستی صحنه‌های شگفت‌انگیزی بود که که تاریخ در برابر عظمت این لحظات سر خضوع فرود خواهد آورد و حاکمان و جلادان تاریخ با دیدن چنین صحنه‌هایی لرزه بر اندامشان خواهد افتاد. در یکجا نوحه قاسم فرزند حسین (ع) را میخواندند و در جای دیگر به یاد شهیدان کربلا می‌گریستند. در یکجا فریاد برمی‌آوردند این گل پرپر ماست، خمینی رهبر ماست و در جای دیگر می‌گفتند وای اگر خمینی حکم جهاد میداد.

در یک صحنه فرزندان شهیدی را بر سر دست بلند کرده بودند و بر پشمی‌شان می‌گریستند و در صحنه دیگر با شاخه‌هایی از گل سرخ بر سر تنگ بر مزار شهیدان رژه می‌رفتند.

الله اکبر

چگونه میتوان چنین صحنه‌هایی را توصیف کرد و چگونه میتوان اینهمه عظمت را بر روی کاغذ آورد. عظمتی را که بزرگترین دستاورد های انقلاب خونبار خلفان است. امت شهیدپرور ما در طول انقلاب پرشور خویش چنان صحنه‌هایی آفریدند و ارزشهای خلق کردند که تاریخ انسانیت آنها را ثبت خواهد نمود. به فرزندان آینده این مرز و بوم و به همه مستضعفان جهان تقدیم خواهد کرد. در عظمت این

در حاشیه جبهه‌های جنگ

تبلیغات تلویزیونی ما در منطقه ضعیف است
فعالیت‌های خاندانه‌سازمان سیاسی خلق! عرب
مسئولیت برادران رزمنده عرب ما در جبهه

جهانی و مرتجعین و مزدوران و مستبدان منطقه را در هم بیچید و به توده‌ها انگیزه قیام برای نابودی آنان بدهد، ضد مردمی و ارتجاعی... جلوه دهند.

بار هر یک مسئولیت‌های حساسی بدست گرفتند و قدرت و موقعیتی را که برای خدمت به انقلاب به آنان واگذار شده بود، یا همیالگی‌های داخلی‌شان وسیله‌ای برای پیشبرد مقاصد و اهداف شخصی و باندی خود قرار دادند و با وجود هشدارها و فریادها، نصایح و حتی تهدیدهای امام، و نگرانی و اخطار و اعتراضات ملت، به اختلافات و درگیری‌های قبلی ادامه دادند. فقط هر چند وقت یکی جبهه و باند خود را عوض می‌کند و جایجا می‌شود، اما انگیزه همانند گذشته، انگیزه‌های شخصی و خصلتی است. حتی موقعیت حساس و حیاتی فعلی و مشاهده روزانه دهها شهیدی که بخاک سپرده میشوند، این آقایان دولت‌مرد و رهبری‌طلب را از اینکه جراید دومی و رادیو تلویزیون را وسیله جنگ و دعواهای حقوقی و گروهی خود بکنند، نگران نمیکند

و هر روز شاهد جنگ‌های حیدر نعمتی آنان در این شرایط حساس تهاجم همجانبه امپریالیسم می‌باشیم که با دامن زدن به اختلافات موجود، منبع تغذیه برای ضربه تبلیغاتی به انقلاب و بایمال کردن خون شهدا بوجود می‌آورند طبیعی است که برای مردم خودبخود این تصور پیش آید که جناح‌های قدرت در این شرایط حساس هم به فکر درگیری ملت با امپریالیسم و مسئله شکست یا پیروزی نیستند بلکه بیش از همه در صدد کسب کامل قدرت از رقیب می‌باشند.

در همین زمینه آغاز محاکمه محمدرضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران در شرایط ویژه کنونی علیرغم آنکه بیش از یکسال از مراحل تشکیل پرونده و مقدمات محاکمه آن می‌گذرد، و با توجه به ایراداتی که از لحاظ رعایت اصول قانون در کلیه مراحل رسیدگی تا تشکیل محکمه از جانب وکیل متهم وارد شده است و جو تبلیغاتی و روانی که پدید آمده، تاثیرات نامطلوبی در وحدت و انسجام جبهه داخلی در برابر دشمن بجا می‌گذارد لذا رعایت دو نکته زیر را از جانب مقامات قضائی ضروری می‌دانیم:

۱) اعمال خلاف قانون که در جریان بازداشت و مراحل بازجویی نسبت به متهم صورت گرفته، باید از طرف مقامات قضائی کشور رسیدگی و در صورت اثبات جرم مجرمین حتماً به مردم معرفی و مجازات شوند.

۲) ایراداتی که از لحاظ نحوه رسیدگی و ابلاغ کیفرخواست و مقدمات تشکیل دادگاه از جانب وکیل متهم وارد شده مورد رسیدگی فوری، و چگونگی آنها برای عموم مردم روشن گردد و پس از رفع ایرادات وارد، دادگاه در شرایط کاملاً عادی و برطبق موازین قانونی و با رعایت کامل حق متهم به استفاده از کلیه امکانات قانونی در دفاع از خود تشکیل گردد.

یکی از شیوه‌هایی که دشمنان انقلاب اسلامی برای مقابله با آن و مخدوش کردن ماهیت اصیل انقلاب بکار گرفته و میگیرند، تبلیغات است. رادیوها و رسانه‌های گروهی غرب و مزدوران آنان در منطقه با پخش اکاذیب و اخبار دروغ از واقعیت‌های موجود سعی دارند که توده‌های مردم مستضعف را نسبت به انقلاب نگران کرده و چهره انقلاب اسلامی ایران را که می‌رود تا طومار استکبار

وحدت و انسجام خاص برخوردار باشد. تاکیده‌های بی‌درپی امام خمینی در ضرورت حفظ وحدت و یکپارچگی ناظر بهمین شرایط ویژه است.

انقلاب اسلامی اکنون از همه سو مورد تهاجم قرار گرفته است که حمله نظامی عراق فقط یک جلوه از جبهه از تجاوز است. جبهه‌های سیاسی و تبلیغاتی که دشمن از مدتها پیش علیه انقلاب و اسلام گشوده است، بسی خطرناکتر میباشد. دشمنان ما مترصدند تا کوچکترین شکافی در جبهه ملت بیابند و از همان راه شروع به حمله و وارد کردن ضربه نمایند، چنانکه هم‌اکنون اختلافات روبرو شد جناح‌های حاکم بهترین مستمسک تبلیغاتی برای تضعیف روحیه مردم بدست دشمن و ضد - انقلاب دادماست.

تضادهای موجود که برخی اصولی است لکن شیوه‌های حل آن غیراصولی و بعضی غیراصولی و ناشی از رقابت در کسب و تمرکز قدرت است، در همه وسایل ارتباط - جمعی، در صحنه تلویزیون و جرائد که هر جناحی یکی از آنها را ارگان خود قرار داده است، منعکس است.

متأسفانه بعضی عناصر و جناح‌ها بی‌اعتنا به مصالح انقلاب و شرایط خاص موجود، بشدت به اختلافات و سوءظن‌ها دامن زده با گفته‌ها و تبلیغات و نوشته‌های خود، وحدت جبهه خلق را متزلزل می‌سازند. آنان در شرایطی که هزاران نفر از فرزندان جان‌برگف در برابر گلوله‌های توپ و تانک و بمباران دشمن، سینه‌های پر از ایمان و اخلاص را سیر دفاع از انقلاب و استقلال ایران کرده‌اند، مانند همیشه فارغ از دردهای ملت و نیازهای انقلاب به تسویه حساب‌های خصوصی و گروهی و باندی خود مشغول‌اند.

فراموش نمی‌کنیم که در سال‌های پیش از

انقلاب هم که ملت رنج‌دیده ما در زیر فشار مستقیم سرکوب وحشیانه رژیم سازمان چپنی ساواک به مقاومت ادامه می‌داد، آنان در خارج از کشور هر کدام با داعیه رهبری و قطب مبارزه و مرشد قوم بودن، بجان یکدیگر افتاده و همه مصالح ملت و آرمانها و فداکاریهای مبارزین داخلی و دانشجویان رزمنده خارج از کشور را وجه المصلحه خرده حسابهای شخصی، اختلافات خصوصی و حزبی و وسیله کسب رهبری قرار داده بودند. بعد از انقلاب و آمدنشان به ایران امید بود که در برخورد با واقعیت‌ها و مشاهده نزدیک‌ملتی که برای آزادی و اسلام و برای استقلال و عدالت از همه چیز خود می‌گذرد و جان و مال و عزیزان خویش را فدا می‌کند، بد خود بیایند و درس عبرت بگیرند و وجدان آنان بیدار شود و شرمنده از آن تنگ‌نظریها و خودخواهیها، در برابر وسعت نظر و ایمان این ملت احساس شرمساری و خضوع نمایند لکن با کمال تأسف همه آن خصلتها و اختلافات خصوصی را با خود به ارفغان آوردند، با این تفاوت که پیشتر نقشی موثر و مستقیم در نهضت ملت نداشته ولی این

می‌توانیم و نباید انتظار داشته باشیم که امپریالیستها و متحدانش واقعیتها را به مردم عرضه کنند. در همین رابطه آنچه در حال حاضر اهمیت دارد که سریعاً بدان توجه شود و مورد رسیدگی قرار گیرد، زیر پوشش قرار دادن رادیو، تلویزیونی مناطق جنگی در داخل ایران و خاک عراق میباشد. طبق اطلاعات رسیده ارتباط تلویزیونی آبادان با اشکالاتی مواجه شده بود که زمینه مساعدی برای جنگ‌افروزان بعث عراق بوجود آورده تا با انتشار اخبار دروغ باعث تضعیف روحیه مردم مسلمان و مبارز این مناطق شوند. گرچه توده‌های مردم در مناطق جنگی و سراسر ایران صداقت و ایمان خود را در جریان عمل نشان داده‌اند و ثابت کرده‌اند که دروغ‌پردازها و باوه - گوئیهای رادیوهای بیگانه بخصوص رژیم مستبد و ضد مردمی بعث عراق کوچکترین تردید و خللی در اراده راسخ و مصمم آنان وارد نکرده است، اما لازم است که مسئولین به این امر اساسی اهمیت لازم را داده و مناطق جنگی را فوراً در زیر پوشش رادیو تلویزیونی قوی قرار بدهند. ضمناً طبق اخبار و اطلاعات واصله از جبهه‌های نبرد، از زمانی که بعضی از سلاح‌های سنگین در اختیار برادران جان‌برگف و آماده شهادت سپاه پاسداران و توده‌های مردم این حامیان راستین انقلاب قرار است، وضع نسبت به گذشته تغییر کرده و آنان توانستند به دشمن ضربات سنگینی را وارد آورند و آنچه برادران در جبهه‌های نبرد تاکید داشتند، تحویل سلاح‌های سنگین به آنان و هماهنگی بیشتر توپخانه‌ها با آنان میباشد، بطوریکه اظهار می‌کردند از زمانی که هماهنگی توپخانه‌ها با آنها بیشتر شده است، پیروزیهای چشمگیری نصیب رزمندگان ما شده است.

نکته دیگری که لازم است یادآوری کنیم، این است که در روستاهای غرب کارون اعضای سازمان سیاسی خلق عرب! به رهبری شخصی بنام سیدهادی مزاری پور تبلیغات گسترده‌ای را علیه انقلاب آغاز کرده و زمینه را جهت رشد ضدانقلاب آماده میکنند. از مشخصات ظاهری این افراد این است که چپیه فرمزنگی را به دور گردن خود پیچیده و یک کلاشینکف هم همیشه به همراه دارند.

اما سخنی که با برادران و خواهران عرب در مناطق جنگی داریم این است که چون همیشه با پایمردی و استقامتی که در خور فرزندان و زنان و مردان انقلابی ایران است، در مقابل هر جریان ضدانقلابی و فرست طلبانه بایستید و اجازه فعالیت به اینگونه خائنین را ندهاد و توطئه آنان را علیه انقلاب خونبارمان در نطفه خفه سازید.

ما با توجه به سهم موثر و ارزشمندی که برادران رزمنده عرب ما در دفاع از انقلاب و وطن اسلامی در برابر تجاوز حکومت بعث عراق و مزدوران امپریالیسم دارند، مطمئن هستیم که با تلاش گسترده‌ای، توطئه‌های شیوخ و وابستگان مزدور را خنثی و سراسر منطقه عرب‌نشین خوزستان را به جهنم سوزان علیه خائنان و متجاوزان تبدیل خواهند کرد.

هموطنان مبارز

لطفاً وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۴۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.

مشتکریم

خواهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هرچه زودتر برداخت نمایید.

باتشکر - امور مالی و توزیع

نشریه جنبش مسلمانان مبارز مردم

روزنامه‌های مبارز

۸۲

خیابان بهار شمالی پلاک ۱۰۰

پستی

درود بر خمینی - سلام بر شهیدان پاینده باد انقلاب اسلامی ایران